

**چین؛ نگاهی بر اقتصاد، تجارت
خارجی و فرصت‌های همکاری
تجاری و سرمایه‌گذاری با ایران**





معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

چین؛ نگاهی بر اقتصاد، تجارت خارجی و فرصت‌های همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری با ایران

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد
مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاما مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

تهیه کننده: حامد نویدی

آبان‌ماه ۱۴۰۵

خلاصه مدیریتی

چین برای بخش خصوصی ایران، بازاری مهم برای صادرات، منبع تأمین کالا و فناوری و شریکی بالقوه برای همکاری‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری است. تحولات جمعیتی، نیاز به انرژی و مواد اولیه و افزایش اهمیت فناوری و خدمات در اقتصاد این کشور، فرصت‌های متفاوتی پیش روی بنگاه‌ها قرار می‌دهد. بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها به شناخت تقاضای واقعی، انتخاب شریک مناسب و هماهنگی میان محصول، شرایط پرداخت و مسیر حمل وابسته است.

در حوزه صادرات کالایی، برآوردهای گزارش، ظرفیت توسعه فروش سنگ آهن و کنسانتره، کاتد مس، پلی اتیلن سنگین، اتیلن گلیکول، پسته، آلومینیوم کارنشده، مرمر و تراورتن برش خورده و برخی محصولات فولادی را نشان می‌دهد. پروپان، بوتان و متانول نیز از اقلام مهم صادرات موجودند که تثبیت مشتریان و بهبود شرایط فروش آن‌ها اهمیت دارد. تحقق این فرصت‌ها در محصولات معدنی و پتروشیمی به کیفیت یکنواخت، استمرار عرضه و قیمت تحویل رقابتی وابسته است؛ در پسته و سنگ‌های ساختمانی، استاندارد، بسته‌بندی، کیفیت فرآوری و دسترسی به شبکه توزیع نقش برجسته‌تری دارند. انتخاب بازار هدف باید با بررسی رقبا و امکان وصول مطالبات همراه شود.

در حوزه تأمین از چین، رایانه و قطعات آن، تجهیزات شبکه، معرف‌های آزمایشگاهی، پارچه‌های پلی استر، ماشین آلات بافندگی، تلفن همراه و کنجاله سویا از اقلام مطرح در جدول فرصت‌های گزارش‌اند. ترکیب واردات موجود نیز اهمیت تجهیزات خورشیدی، قطعات الکترونیکی، قطعات خودرو و ماشین آلات صنعتی را نشان می‌دهد. انتخاب این اقلام باید بر نیاز بازار ایران، مجوزها و هزینه نهایی تأمین استوار باشد. در تجهیزات تولیدی، ضمانت عملکرد، آموزش، مصرف انرژی، قطعات یدکی و خدمات پس از فروش تعیین می‌کنند که خرید به افزایش بهره‌وری بنگاه ایرانی منجر شود. ارزیابی ظرفیت‌های استفاده‌نشده نیز باید تأمین احتمالی از کشورهای واسطه را در نظر بگیرد.

در حوزه همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک، انرژی خورشیدی و بهره‌وری انرژی، نوسازی صنعتی، فرآوری مواد معدنی، صنایع پایین‌دستی پتروشیمی، فرآوری و بسته‌بندی غذا، زنجیره سرد و لجستیک، از زمینه‌های قابل بررسی در ایران‌اند. در منطقه نیز پروژه‌های برق، آب و فاضلاب، خدمات مهندسی، تعمیر و نگهداری تجهیزات و توزیع تخصصی می‌توانند فناوری و تجهیزات چینی را با توان اجرایی و شناخت بازار شریک ایرانی پیوند دهند. تحقق این همکاری‌ها به پروژه مشخص، مشتری و مدل درآمدی روشن، تأمین پایدار نهاده و تقسیم مسئولیت قراردادی نیاز دارد. نوع مشارکت، اعم از تأمین تجهیزات، اعتبار فروشنده، پیمانکاری یا سرمایه‌گذاری سهامی، باید از ابتدا روشن و متناسب با توان طرفین انتخاب شود.

در حوزه حمل و بازاریابی تجارت، آماده‌سازی مسیرهای جایگزین باید هم‌زمان با انتخاب کالا و شریک تجاری دنبال شود. مسیرهای ریلی آسیای مرکزی از طریق سرخس و اینچه‌برون، برای محموله‌های سازگار با ظرفیت و خدمات موجود، محور مهمی برای بررسی کاهش وابستگی به عبور از هرمز هستند. خزر، چابهار و مسیر دریایی-زمینی کراچی-ایران نیز گزینه‌های مکمل‌اند. انتخاب مسیر به هزینه و زمان تحویل تا مقصد نهایی، ظرفیت انتقال بار، امنیت، بیمه و پذیرش ترانزیت وابسته است و بهتر است پیش از اتکای تجاری، با محموله محدود آزموده شود. برای صادرات حجیم و مواد نیازمند تجهیزات ویژه، امکان تغییر مسیر باید مستقلاً بررسی شود.

جهت تمرکز بخش خصوصی باید با شرایط عملی تجارت تنظیم شود. کاهش پایدار تنش و بهبود شرایط پرداخت و بیمه، زمینه توسعه صادرات و سرمایه‌گذاری مولد در ایران را تقویت می‌کند؛ تداوم نااطمینانی، نوسازی مرحله‌ای داخلی و فعالیت انتخابی در بازارهای باثبات‌تر منطقه را در اولویت قرار می‌دهد؛ و تشدید درگیری، حفظ نقدینگی، تأمین نهاده‌های حیاتی و استمرار تولید را ضروری‌تر می‌سازد. انتخاب هدفمند کالا و پروژه، اعتبارسنجی شریک، آزمودن مسیر حمل و توسعه همکاری پس از ارزیابی کیفیت، تحویل و پرداخت، مبنای تبدیل فرصت‌ها به فروش مستمر و مشارکت‌های سودآور خواهد بود.



فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۲.....	فصل اول: اقتصاد چین
۳.....	۱-۱- معرفی اجمالی چین و جایگاه اقتصادی آن
۳.....	۲-۱- اندازه اقتصاد و تحولات بازار داخلی
۷.....	۳-۱- سرمایه‌گذاری و تحول ساختار تولید و فناوری
۹.....	۴-۱- ثبات اقتصاد کلان و تاب‌آوری مالی و خارجی
۱۱.....	۵-۱- پیوندهای جهانی اقتصاد چین در تجارت، انرژی و سرمایه‌گذاری
۱۴.....	فصل دوم: تجارت خارجی چین و روابط تجاری با ایران
۱۵.....	۱-۲- اندازه و روند تجارت کالایی چین با جهان
۱۵.....	۲-۲- مقاصد و ترکیب کالایی صادرات چین
۱۷.....	۳-۲- مبادی و ترکیب کالایی واردات چین
۱۹.....	۴-۲- روند و ساختار تجارت کالایی ایران و چین
۲۱.....	۵-۲- مسیرهای حمل و کريدورهاى تجارت کالایی ایران و چین
۲۴.....	فصل سوم: فرصت‌های تجارت کالایی و همکاری‌های سرمایه‌گذاری
۲۵.....	۱-۳- فرصت‌های توسعه صادرات کالایی ایران به چین
۲۶.....	۲-۳- فرصت‌های تأمین کالا و فناوری از چین
۲۷.....	۳-۳- فرصت‌های همکاری اقتصادی مشترک ایران و چین در منطقه و ایران
۳۰.....	جمع‌بندی نهایی و سناریوهای پیش‌رو
۳۲.....	منابع و مآخذ



فهرست نمودارها

- نمودار ۱-۱- روند تولید ناخالص داخلی اسمی چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۳
- نمودار ۲-۱- روند رشد اقتصادی چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۴
- نمودار ۳-۱- روند تولید ناخالص داخلی سرانه چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۴
- نمودار ۴-۱- روند رشد جمعیت کل در کشور چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۵
- نمودار ۵-۱- هرم جمعیتی کشور چین در سال ۲۰۲۵ ۵
- نمودار ۶-۱- روند سهم (درصد) جمعیت چین در سنین مختلف طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۶
- نمودار ۷-۱- روند نرخ بیکاری کل در کشور چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۶
- نمودار ۸-۱- روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کشور چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ ۷
- نمودار ۹-۱- روند سهم ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات از کل GDP چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۷
- نمودار ۱۰-۱- روند سهم مخارج تحقیق و توسعه از GDP چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۳ ۸
- نمودار ۱۱-۱- روند سهم کاربران اینترنت از کل جمعیت چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۸
- نمودار ۱۲-۱- روند تورم قیمت مصرف‌کننده در چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۹
- نمودار ۱۳-۱- روند نرخ ارز رسمی (یوان به ازای هر دلار آمریکا) در چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۹
- نمودار ۱۴-۱- روند سهم درآمدهای مالیاتی دولت از GDP طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ ۱۰
- نمودار ۱۵-۱- روند سهم تراز حساب جاری از GDP در چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۱۰
- نمودار ۱۶-۱- روند کل ذخایر بین‌المللی شامل طلا در چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۱۱
- نمودار ۱۷-۱- روند موجودی بدهی خارجی نسبت به درآمد ملی ناخالص چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ ۱۱
- نمودار ۱۸-۱- روند سهم تجارت کالا و خدمات از GDP طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۱۲
- نمودار ۱۹-۱- روند واردات انرژی و سوخت در چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ ۱۲
- نمودار ۲۰-۱- روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی به چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۱۳
- نمودار ۲۱-۱- روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خروجی از چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ ۱۳
- نمودار ۱-۲- روند تجارت کالایی چین با جهان طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ ۱۵
- نمودار ۲-۲- روند تجارت کالایی ایران با چین طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ ۱۹



فهرست جدول‌ها

- جدول ۱-۲- ده کشور عمده طرف صادرات کالایی چین در سال ۲۰۲۵ و جایگاه ایران ۱۶
- جدول ۲-۲- ده گروه کالایی عمده صادراتی چین به جهان در سال ۲۰۲۵ ۱۶
- جدول ۳-۲- ده کشور عمده طرف واردات کالایی چین در سال ۲۰۲۵ و جایگاه ایران ۱۷
- جدول ۴-۲- ده گروه کالایی عمده وارداتی چین از جهان در سال ۲۰۲۵ ۱۸
- جدول ۵-۲- کالاهای عمده صادراتی ایران به چین طی ۱۰ ماهه ۱۴۰۴ ۲۰
- جدول ۶-۲- کالاهای عمده وارداتی ایران از چین طی ۱۰ ماهه ۱۴۰۴ ۲۱
- جدول ۷-۲- برخی مسیرهای قابل بررسی برای تجارت کالایی میان ایران و چین و ملاحظات انتخاب آن‌ها ۲۳
- جدول ۱-۳- ده کالای برتر دارای پتانسیل صادراتی تحقق نیافته جهت صادرات از ایران به چین ۲۵
- جدول ۲-۳- ده کالای برتر دارای پتانسیل صادراتی تحقق نیافته جهت صادرات از چین به ایران ۲۶
- جدول ۱-۴- سناریوهای پیش‌رو و جهت‌گیری پیشنهادی بخش خصوصی در تجارت و همکاری اقتصادی با چین ۳۱

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۲- شماتیک برخی مسیرهای قابل بررسی برای تجارت کالایی میان چین و ایران ۲۲



مقدمه

چین برای فعالان اقتصادی ایران، هم بازاری بزرگ برای فروش کالا و هم یکی از منابع مهم تأمین ماشین‌آلات، تجهیزات، مواد واسطه‌ای و فناوری است. اهمیت این کشور برای بنگاه ایرانی، از ترکیب مقیاس اقتصادی، ظرفیت صنعتی، تنوع زنجیره‌های تأمین و حضور گسترده در تجارت جهانی ناشی می‌شود. بر اساس ارقام درج‌شده در جداول این گزارش، صادرات کالایی چین در سال ۲۰۲۵ حدود ۳.۸ تریلیون دلار و واردات آن حدود ۲.۶ تریلیون دلار بوده است؛ ابعادی که بررسی تحولات این اقتصاد را برای تصمیم‌گیری تجاری و سرمایه‌گذاری ضروری می‌سازد.

در روابط دوجانبه میان ایران و چین، داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که طی دهم‌ماه ۱۴۰۴، صادرات ثبت‌شده ایران به چین حدود ۱۰.۹ میلیارد دلار و واردات از این کشور حدود ۱۳.۴ میلیارد دلار بوده است. با این حال، اندازه مبادلات به‌تنهایی تصویر کاملی از کیفیت رابطه اقتصادی ارائه نمی‌کند. تمرکز صادرات ایران در شمار محدودی از محصولات انرژی‌پایه، پتروشیمی و معدنی، در کنار تنوع بیشتر کالاهای وارداتی از چین، نشان می‌دهد که مسئله اصلی، علاوه بر توسعه تجارت، چگونگی افزایش ارزش افزوده، تنوع‌بخشی به صادرات و ارتقای همکاری‌های تولیدی است.

هم‌زمان، اقتصاد چین در حال تجربه تغییراتی است که بر فرصت‌های پیش روی بنگاه‌های ایرانی اثر می‌گذارد. کاهش شتاب رشد نسبت به دهه‌های گذشته، تغییر ساختار جمعیت، توسعه خدمات و فناوری، تحول الگوی سرمایه‌گذاری و اهمیت فزاینده امنیت زنجیره‌های تأمین، ترکیب تقاضا و منطق همکاری شرکت‌های چینی را تغییر می‌دهد. شناخت این تحولات برای انتخاب بازار هدف، محصول، شریک تجاری و مدل سرمایه‌گذاری اهمیت دارد.

از سوی دیگر، روابط اقتصادی ایران و چین در محیطی متأثر از محدودیت‌های مالی، نااطمینانی‌های مقرراتی و تنش‌های منطقه‌ای شکل می‌گیرد. جنگ و احتمال تشدید مجدد درگیری‌ها می‌تواند هزینه حمل‌ونقل و بیمه، استمرار تأمین، زمان اجرای پروژه و تمایل سرمایه‌گذاران به پذیرش تعهدات بلندمدت را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، وجود روابط سیاسی نزدیک یا اسناد همکاری بلندمدت، به‌تنهایی برای تحقق فرصت‌های اقتصادی کافی نیست.

هدف این گزارش، ارائه تصویری به‌هم‌پیوسته از اقتصاد چین، ساختار تجارت خارجی آن و جایگاه ایران در این روابط است؛ تصویری که به فعال اقتصادی در انتخاب کالا، شریک تجاری، مسیر حمل و زمینه همکاری کمک کند. بر این اساس، فصل نخست به تحلیل اقتصاد چین، فصل دوم به تجارت جهانی و دوجانبه و بررسی مسیرها و کریدورهای تجارت کالایی میان ایران و چین، و فصل سوم به فرصت‌های تجارت کالایی و همکاری‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری در ایران و منطقه اختصاص دارد. در جمع‌بندی نهایی نیز، با توجه به سناریوهای روابط ایران و آمریکا و وضعیت امنیتی منطقه و تنگه هرمز، جهت‌گیری پیشنهادی بخش خصوصی در انتخاب کالا، تنوع‌بخشی به مسیرهای حمل و تمرکز فعالیت در داخل یا بازارهای منطقه‌ای ارائه می‌شود.



فصل اول: اقتصاد چین



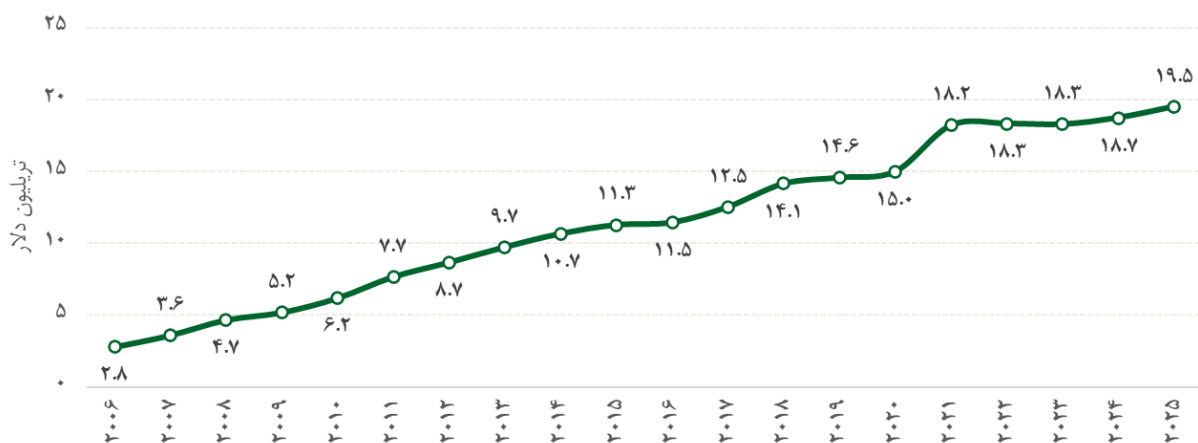
۱-۱- معرفی اجمالی چین و جایگاه اقتصادی آن

جمهوری خلق چین در شرق آسیا قرار دارد و پایتخت آن پکن است. واحد پول این کشور رنمینبی است که یوان، واحد اصلی شمارش آن به شمار می‌رود. ساختار سیاسی و اقتصادی چین با نقش محوری حزب کمونیست و حضور همزمان بنگاه‌های دولتی و خصوصی شناخته می‌شود. برای شناخت محیط کسب‌وکار این کشور، توجه به پیوند سیاست‌های توسعه‌ای دولت با تصمیم‌های تجاری بنگاه‌ها ضروری است.

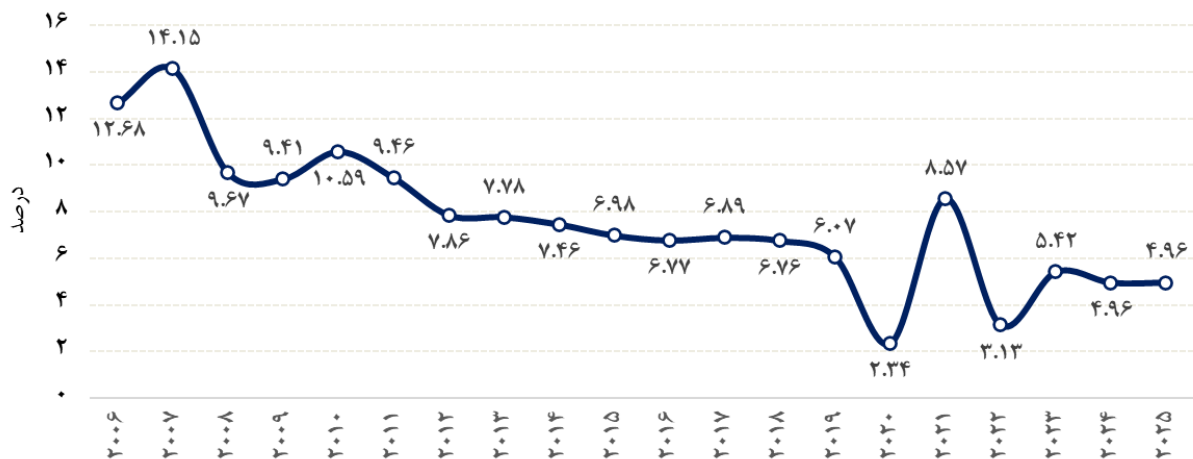
شناخت جایگاه اقتصادی چین، مستلزم بررسی همزمان اندازه اقتصاد و تحولات بازار داخلی آن است. مقیاس تولید، روند رشد اقتصادی و تغییرات جمعیت و درآمد، بر ظرفیت تقاضا و ترکیب نیازهای این بازار اثر می‌گذارند. از این‌رو، در بخش بعد، این شاخص‌ها بررسی می‌شوند تا تصویری از ظرفیت بازار چین و روندهای مؤثر بر فرصت‌های تجاری پیش روی بنگاه‌های ایرانی ارائه شود.

۱-۲- اندازه اقتصاد و تحولات بازار داخلی

نمودار تولید ناخالص داخلی نشان‌دهنده افزایش چشمگیر اندازه اقتصاد چین در دوره مورد بررسی است. در مقابل، نمودار رشد اقتصادی از کاهش شتاب رشد نسبت به سال‌های نخست دوره حکایت دارد. این دو روند با یکدیگر ناسازگار نیستند؛ اقتصاد بزرگ‌تر می‌تواند با نرخ رشد پایین‌تر نیز افزایش قابل‌توجهی در تولید و تقاضا ایجاد کند. برای بنگاه ایرانی، نتیجه آن است که ارزیابی فرصت‌ها نباید صرفاً بر افزایش یا کاهش نرخ رشد کل اقتصاد متکی باشد؛ مسیر رشد صنایع و بازارهای هدف اهمیت بیشتری دارد.

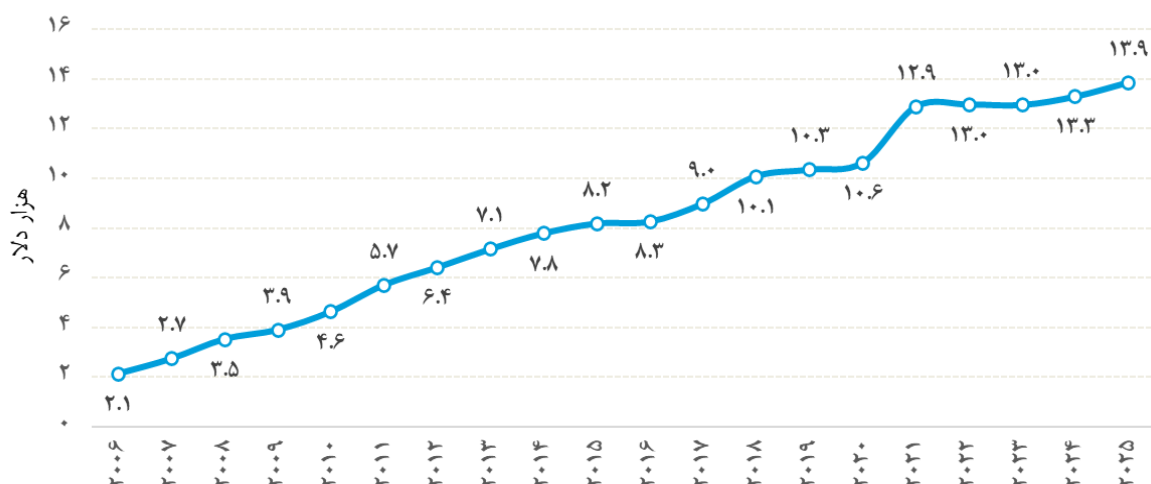


نمودار ۱-۱- روند تولید ناخالص داخلی اسمی چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)



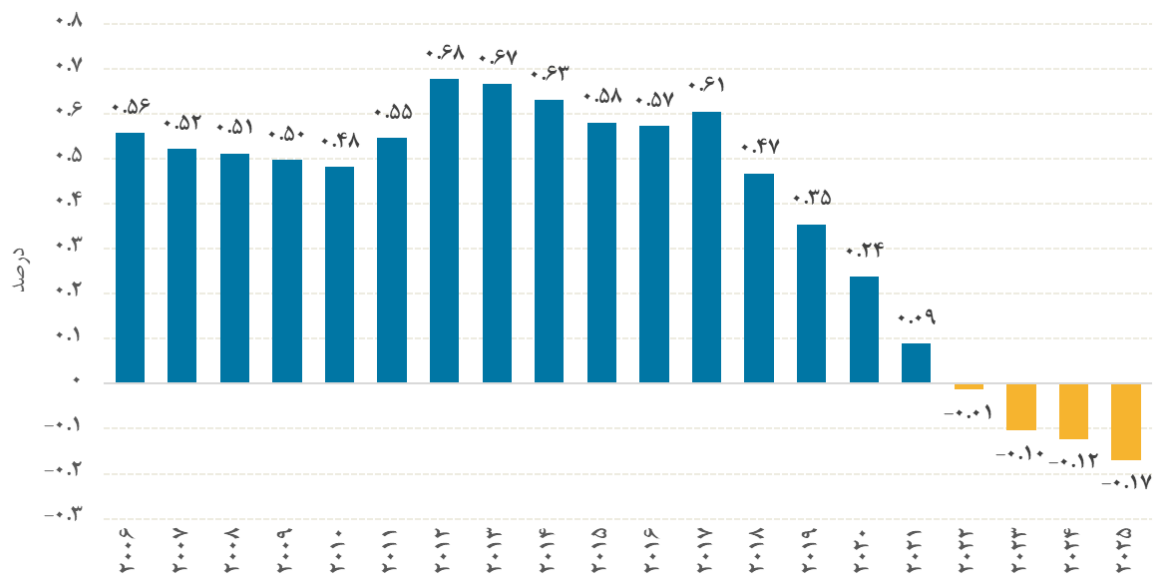
نمودار ۱-۲- روند رشد اقتصادی چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه نیز بیانگر گسترش ظرفیت اقتصادی به‌ازای هر نفر است، اما نباید مستقیماً به‌عنوان افزایش هم‌اندازه قدرت خرید همه خانوارها تفسیر شود. این شاخص تحت تأثیر قیمت‌ها، نرخ ارز و توزیع درآمد قرار دارد. برای صادرات محصولات مصرفی، شناخت گروه درآمدی مشتری، ترجیحات خرید، کیفیت مورد انتظار و شبکه توزیع، مکمل ضروری شاخص سرانه است.

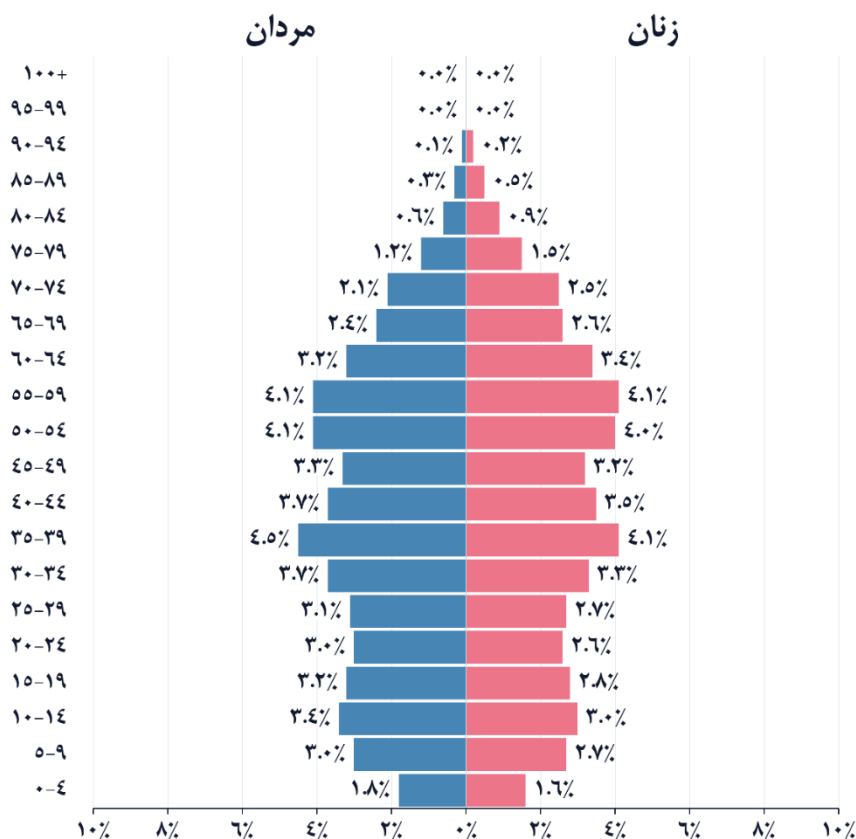


نمودار ۱-۳- روند تولید ناخالص داخلی سرانه چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

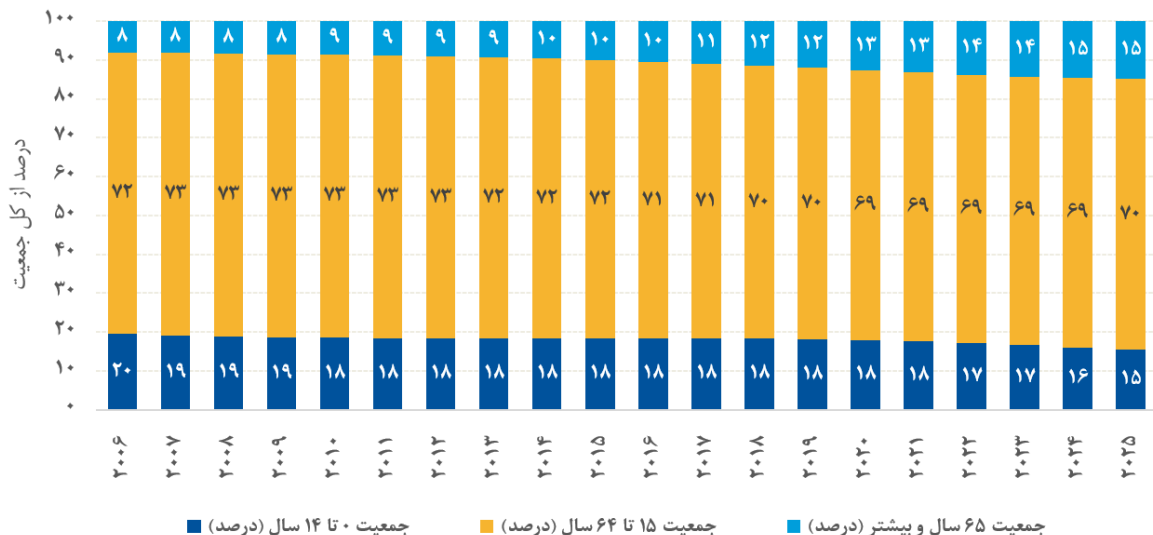
روند رشد جمعیت و شکل هرم سنی، وجه دیگری از تغییر بازار چین را نشان می‌دهد. کاهش رشد جمعیت و افزایش وزن گروه‌های سالمند، به معنای تغییر تدریجی ترکیب تقاضاست. این تحول می‌تواند اهمیت کالاها و خدمات مرتبط با سلامت، مراقبت، تغذیه و سهولت استفاده را افزایش دهد؛ درحالی‌که توسعه بازار برخی کالاهای وابسته به افزایش تعداد کودکان و خانوارهای جدید را محدود می‌کند.



نمودار ۱-۴- روند رشد جمعیت کل در کشور چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)



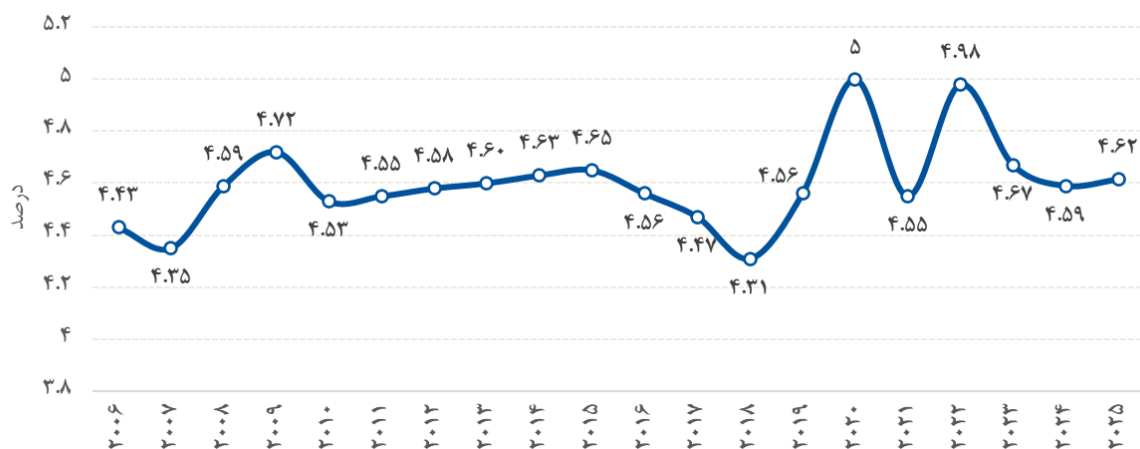
نمودار ۱-۵- هرم جمعیتی کشور چین در سال ۲۰۲۵ (منبع: www.populationpyramid.net)



نمودار ۱-۶- روند سهم جمعیت چین در سنین مختلف طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

از منظر تولید، **تغییرات سهم جمعیتی گروه‌های سنی**، به‌ویژه افزایش سهم سالمندان و کاهش سهم کودکان، حرکت چین به‌سوی ساختاری سالمندتر را نشان می‌دهد. سهم جمعیتی افراد در سن کار همچنان بالاست، اما کاهش آن نسبت به ابتدای دوره، همراه با کوچک‌تر شدن سهم نسل‌های جوان، از محدودتر شدن ظرفیت تأمین نیروی کار در بلندمدت حکایت دارد. این تحولات می‌تواند انگیزه بنگاه‌ها برای اتوماسیون، ارتقای مهارت و استفاده از تجهیزات بهره‌ور را تقویت کند و نقش فناوری و بهره‌وری را در تداوم رشد تولید افزایش دهد.

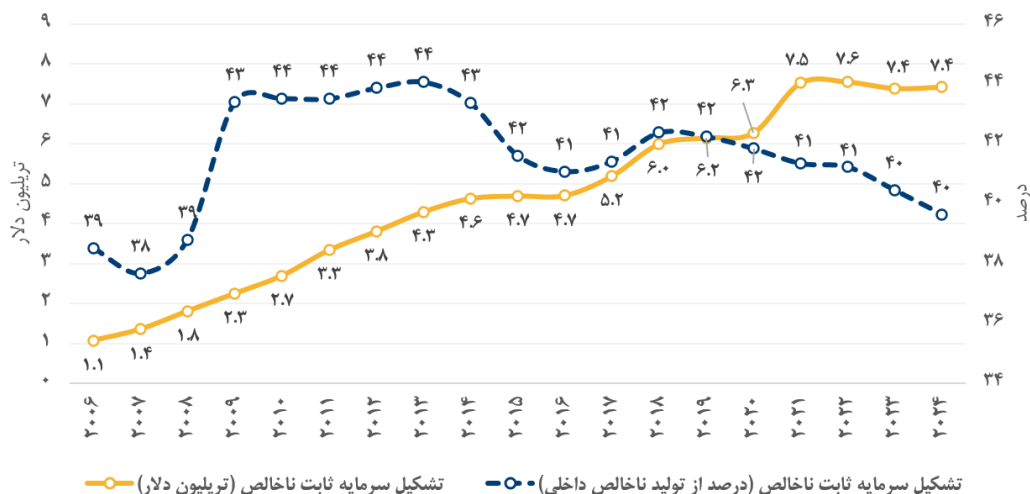
نرخ بیکاری کل چین در دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ عمدتاً بین ۴.۳ تا ۵ درصد نوسان داشته است. افزایش آن به حدود ۵ درصد در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲، از تشدید فشار بر بازار کار در این مقاطع حکایت دارد؛ کاهش پس از آن و رسیدن به حدود ۴.۶ درصد در سال‌های پایانی، بیانگر فروکش کردن این فشار است. بهبود وضعیت اشتغال می‌تواند با تقویت ثبات درآمد و اطمینان خانوارها، از تقاضای مصرفی حمایت کند؛ از این‌رو، روند بازار کار در کنار تحولات جمعیت و درآمد، یکی از عوامل مؤثر بر چشم‌انداز فروش کالا در بازار چین است.



نمودار ۱-۷- روند نرخ بیکاری کل در کشور چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

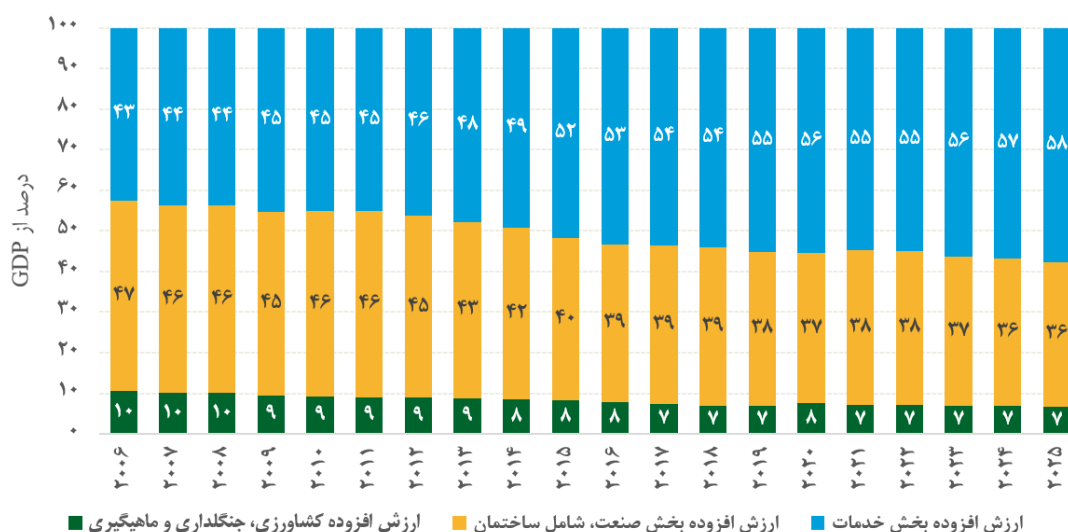
۱-۳- سرمایه‌گذاری و تحول ساختار تولید و فناوری

تشکیل سرمایه ثابت، یکی از پایه‌های توسعه ظرفیت تولید و زیرساخت چین بوده است. نمودار ذیل نشان می‌دهد که حتی با کاهش سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی در بخشی از دوره، اندازه دلاری آن همچنان قابل توجه باقی مانده است. با این حال، مقدار سرمایه‌گذاری به‌تنهایی درباره بازده آن، میزان استفاده از ظرفیت‌ها یا کیفیت تخصیص منابع اطلاعات کافی نمی‌دهد.



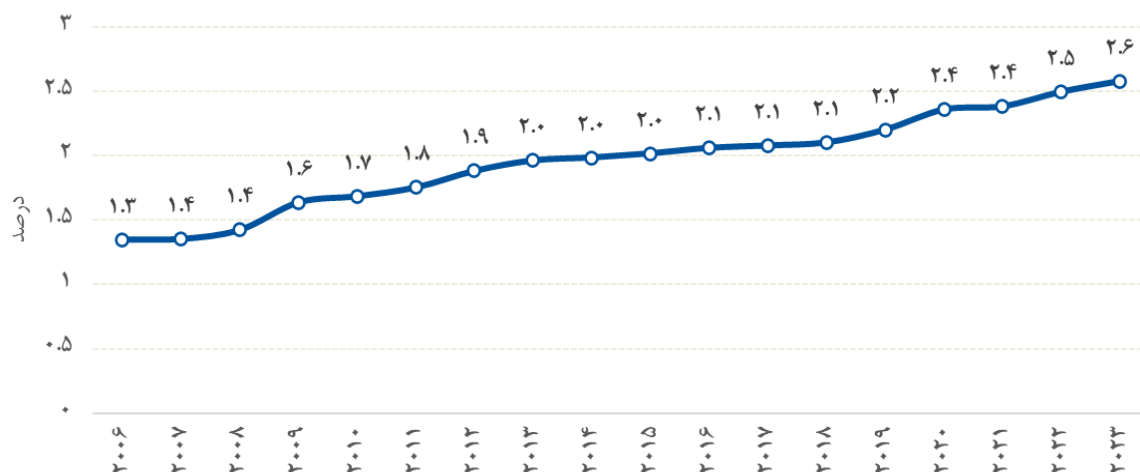
نمودار ۱-۸- روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کشور چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ (منبع: بانک جهانی)

در کنار سرمایه‌گذاری، تغییر **سهم بخش‌های اقتصادی** نشان‌دهنده افزایش وزن خدمات و کاهش نسبی سهم کشاورزی و صنعت در تولید ناخالص داخلی است. کاهش سهم نسبی صنعت لزوماً به معنای کوچک شدن تولید صنعتی نیست؛ ممکن است خدمات سریع‌تر رشد کرده باشد. همچنین بخش صنعت در نمودار ذیل، ساختمان را نیز دربر می‌گیرد.



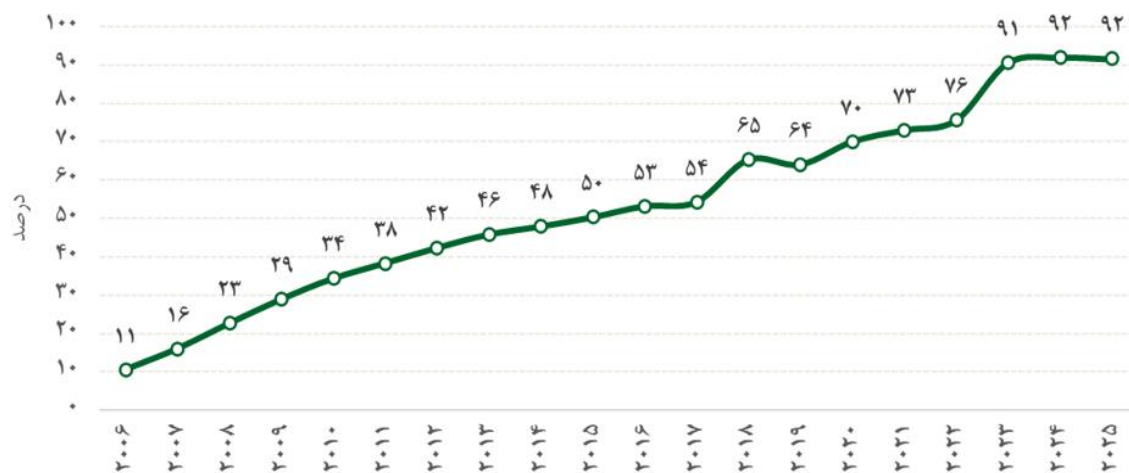
نمودار ۱-۹- روند سهم ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات از کل GDP چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

افزایش **مخارج تحقیق و توسعه** و گسترش استفاده از فناوری‌های دیجیتال، مکمل این تحول ساختاری است. برای بنگاه ایرانی، چین علاوه بر تأمین‌کننده کالا، می‌تواند منبع تجهیزات تولید، خدمات مهندسی، راهکارهای مدیریت انرژی، اتوماسیون و فناوری‌های کاربردی باشد. تحقق این ظرفیت به انتخاب شریک مناسب، آموزش نیروی انسانی، دسترسی به قطعات و امکان نگهداری تجهیزات وابسته است.



نمودار ۱-۱۰ - روند سهم مخارج تحقیق و توسعه از GDP چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۳ (منبع: بانک جهانی)

افزایش **سهم کاربران اینترنت از جمعیت** چین، گسترش بستر تقاضا برای تجارت الکترونیکی، خدمات برخط و راهکارهای دیجیتال را نشان می‌دهد. این تحول، در کنار توسعه ظرفیت فناوری، اهمیت کانال‌های فروش دیجیتال و همکاری با شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات و تجهیزات هوشمند را برای بنگاه ایرانی افزایش می‌دهد.

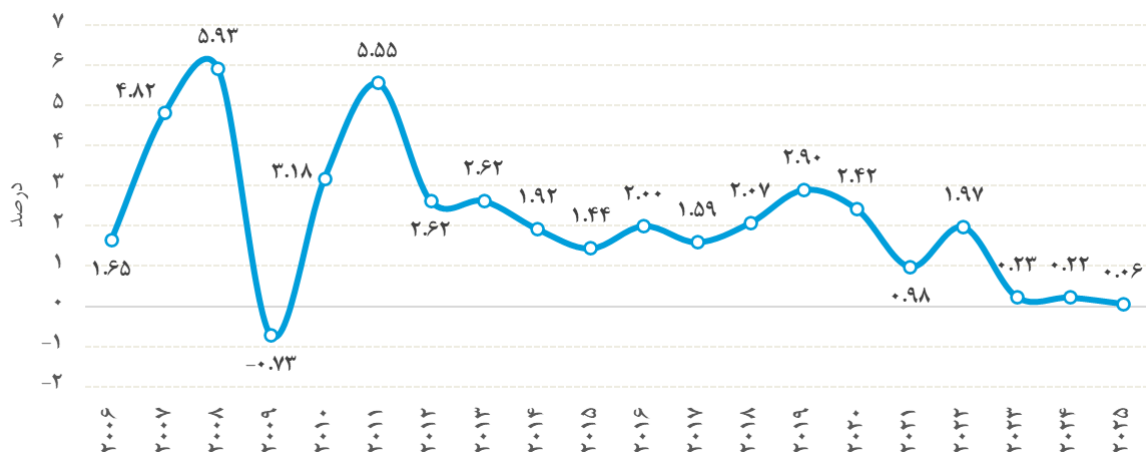


نمودار ۱-۱۱ - روند سهم کاربران اینترنت از کل جمعیت چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

برای همکاری صنعتی ایران و چین، نتیجه این تحولات آن است که معیار انتخاب شریک باید از قیمت خرید اولیه فراتر رود. انتقال دانش عملیاتی، کیفیت و بهره‌وری خط تولید، دسترسی به نرم‌افزار و قطعه، و امکان ارتقای محصول، در ارزیابی اقتصادی قرارداد اهمیت تعیین‌کننده دارند.

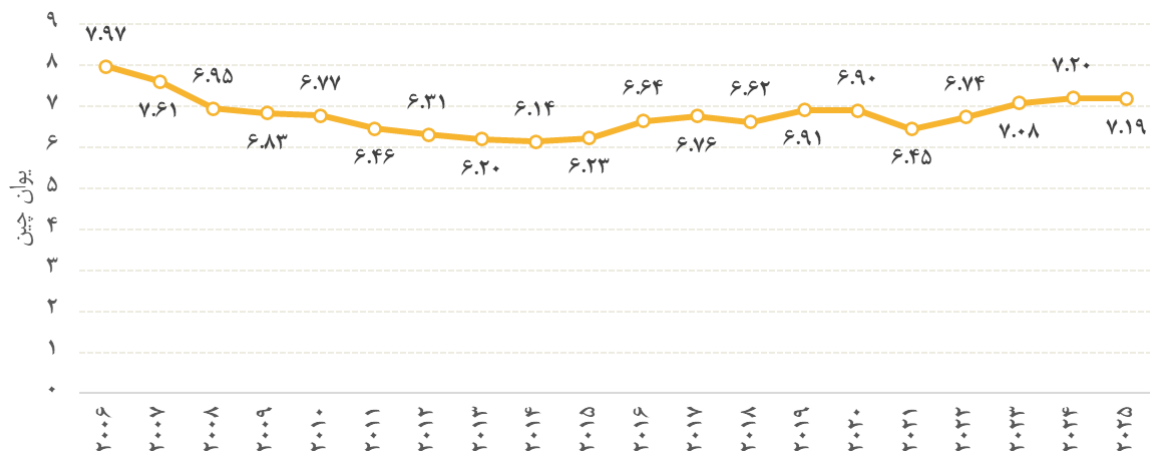
۴-۱- ثبات اقتصاد کلان و تاب آوری مالی و خارجی

بر اساس نمودار ذیل، تورم چین پس از نوسانات شدید سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، عمدتاً در سطوح پایین‌تر قرار گرفته و در سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ به نزدیکی صفر رسیده است. این روند بیانگر فروکش کردن فشارهای تورمی است، اما می‌تواند با ضعف تقاضای داخلی و فشار بر قیمت فروش و سودآوری بنگاه‌ها نیز همراه باشد. از این رو، تورم بسیار پایین به تنهایی نشانه ثبات پایدار اقتصاد کلان نیست؛ تداوم آن می‌تواند خطر کاهش مستمر قیمت‌ها و تضعیف انگیزه سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. بنابراین، چشم‌انداز ثبات اقتصاد کلان چین به توان سیاست‌گذاری در تقویت مصرف و سرمایه‌گذاری مولد، همراه با مدیریت ریسک‌های مالی، وابسته خواهد بود.



نمودار ۱-۱۲- روند تورم قیمت مصرف‌کننده در چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

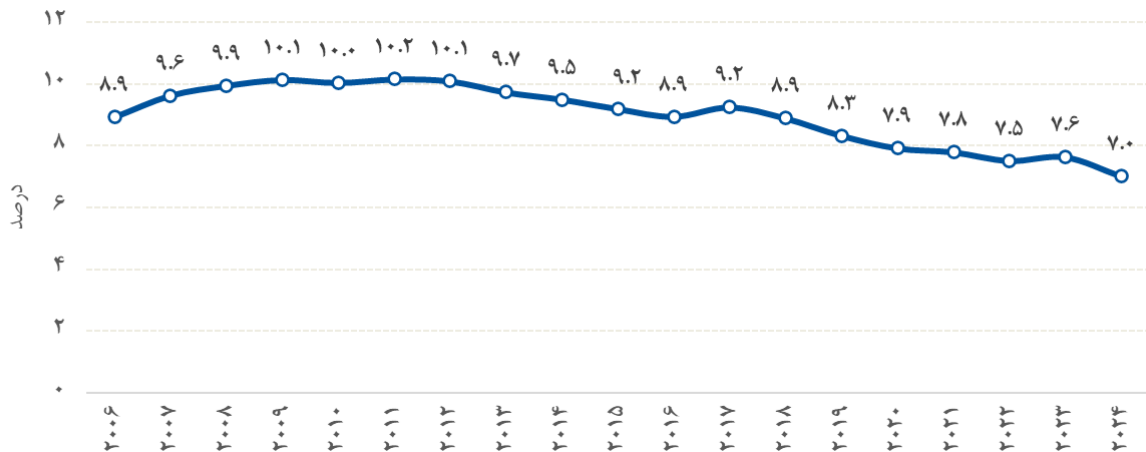
نوسان نسبتاً محدود نرخ ارز در دوره بررسی‌شده، از ثبات نسبی ارزش خارجی پول چین حکایت دارد که به پیش‌بینی‌پذیری تجارت و حفظ جایگاه آن در زنجیره‌های تأمین کمک می‌کند. تضعیف یوان در سال‌های اخیر، خرید دلاری از ایران را برای طرف چینی گران‌تر و، با ثبات قیمت یوانی، تأمین کالا از چین را ارزان‌تر می‌کند. اثر نهایی برای بنگاه ایرانی به ارز قرارداد، زمان تسویه و نرخ تأمین ارز در ایران وابسته است.



نمودار ۱-۱۳- روند نرخ ارز رسمی (یوان به ازای هر دلار آمریکا) در چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

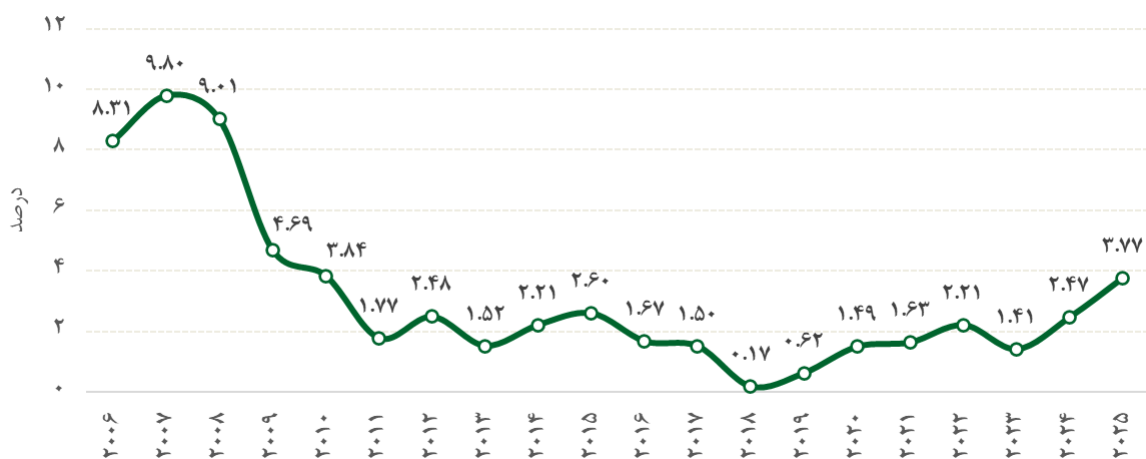


کاهش نسبت **درآمدهای مالیاتی** به تولید ناخالص داخلی، با فرض ثبات پوشش آماری، نشان می‌دهد که رشد این درآمدها از گسترش اقتصاد عقب مانده است. این روند، اهمیت تقویت پایه‌های درآمدی، افزایش کارایی مخارج و اولویت‌بندی پروژه‌های عمومی را بیشتر می‌کند. برای بنگاه‌های طرف همکاری نیز، بررسی منابع تأمین مالی و برنامه پرداخت پروژه‌ها اهمیت می‌یابد.

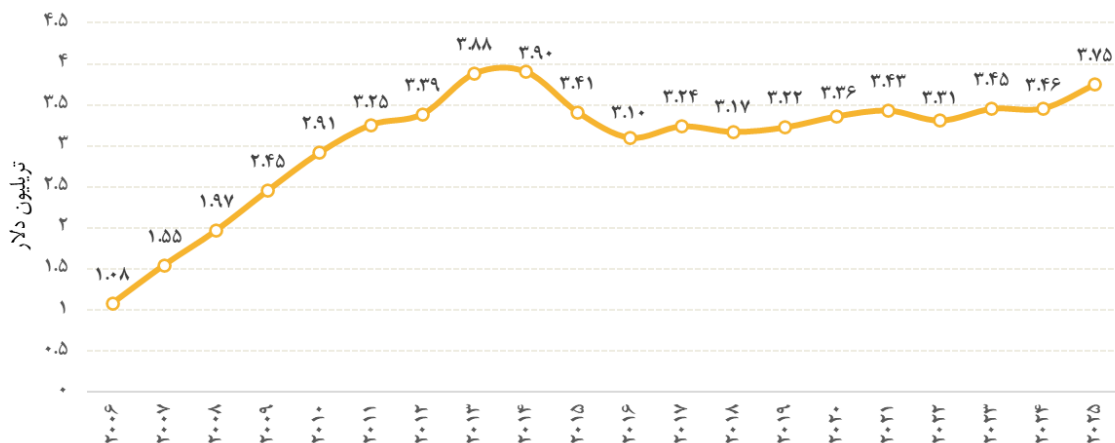


نمودار ۱-۱۴- روند سهم درآمدهای مالیاتی دولت از GDP طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ (منبع: بانک جهانی)

مازاد حساب جاری چین بیانگر فزونی دریافت‌های جاری خارجی بر پرداخت‌ها و، از منظر کلان، بیشتر بودن پس‌انداز ملی از سرمایه‌گذاری داخلی است. تقویت این مازاد در سال‌های پایانی، همراه با ذخایر بالای بین‌المللی، پشتوانه‌ای برای تأمین نقدینگی ارزی، مدیریت نوسانات ارز و حفظ ثبات پرداخت‌های خارجی فراهم می‌کند.

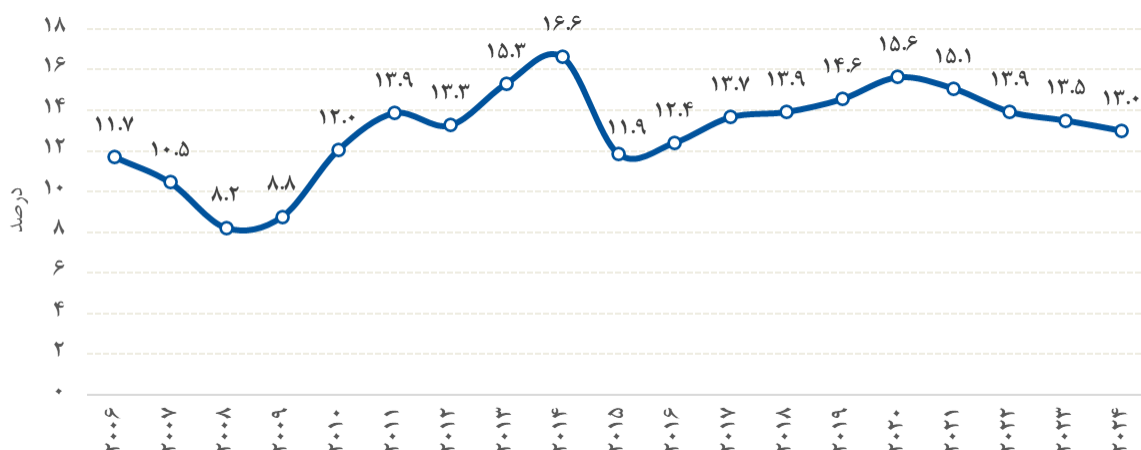


نمودار ۱-۱۵- روند سهم تراز حساب جاری از GDP در چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)



نمودار ۱-۱۶- روند کل ذخایر بین‌المللی شامل طلا در چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

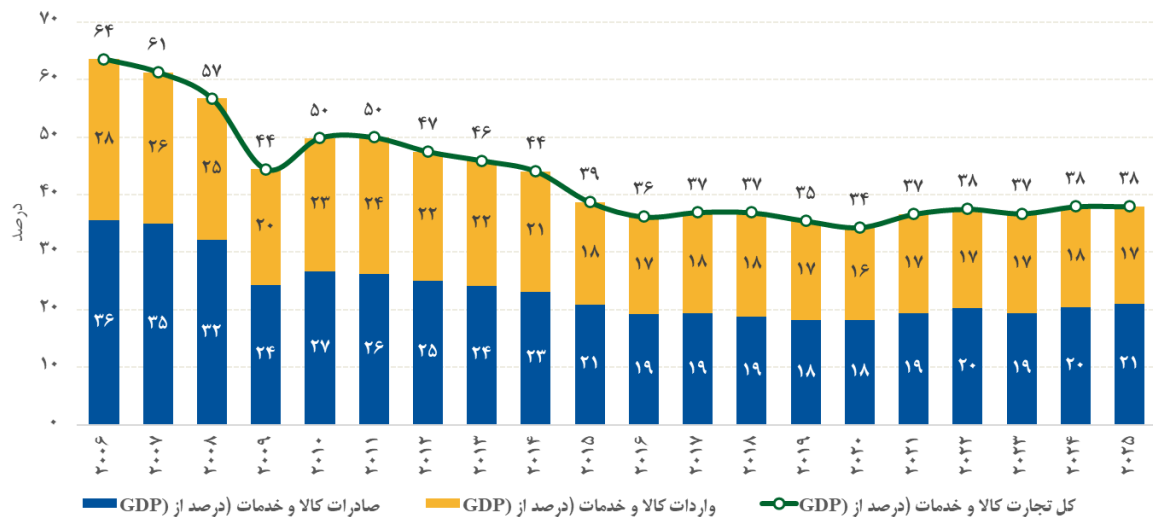
کاهش نسبت بدهی خارجی به درآمد ملی در سال‌های اخیر نشان‌دهنده محدودتر شدن تعهدات خارجی نسبت به ظرفیت درآمدزایی اقتصاد است. این روند، در کنار مازاد حساب جاری و ذخایر ارزی، ظرفیت چین برای مواجهه با فشارهای تأمین مالی خارجی و استمرار مبادلات را تقویت می‌کند.



نمودار ۱-۱۷- روند موجودی بدهی خارجی نسبت به درآمد ملی ناخالص چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ (منبع: بانک جهانی)

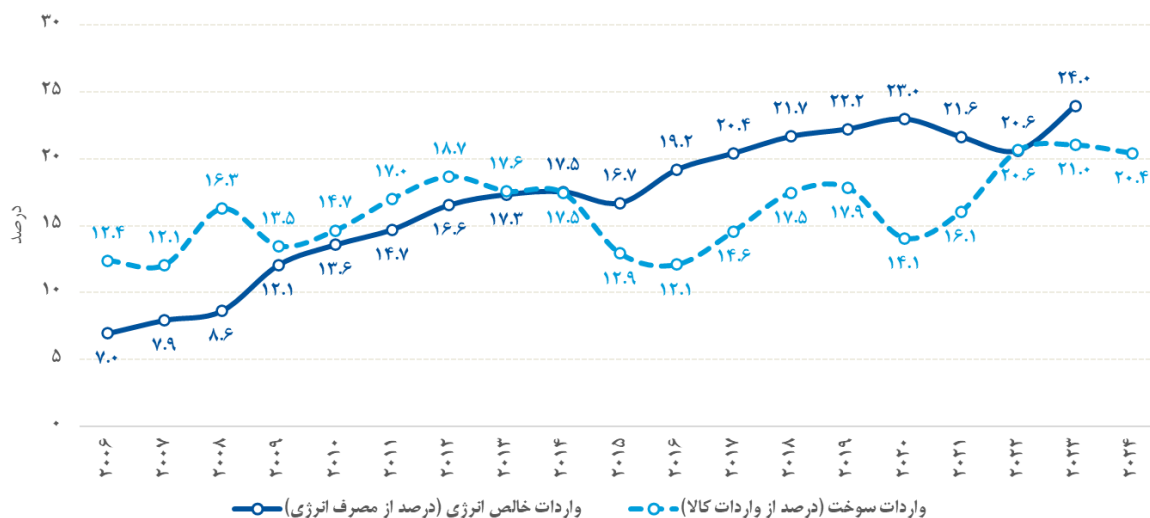
۱-۵- پیوندهای جهانی اقتصاد چین در تجارت، انرژی و سرمایه‌گذاری

بر اساس آمارهای بانک جهانی، در سال ۲۰۲۵ ارزش صادرات کالا و خدمات چین به قیمت‌های جاری حدود ۴.۱ تریلیون دلار و ارزش واردات کالا و خدمات چین در همان سال حدود ۳.۳ تریلیون دلار بوده است. به طوری که ارزش کل تجارت کالا و خدمات چیزی در حدود ۷.۴ تریلیون دلار بوده است. بر اساس نمودار ذیل، کاهش نسبت تجارت کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی، هم‌زمان با افزایش بلندمدت ارزش مبادلات، نشان می‌دهد که اقتصاد داخلی چین سریع‌تر از تجارت آن گسترش یافته است. این تحول، افزایش وزن بازار داخلی را در کنار استمرار نقش صادرات برجسته می‌کند.



نمودار ۱-۱۸- روند سهم تجارت کالا و خدمات از GDP طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

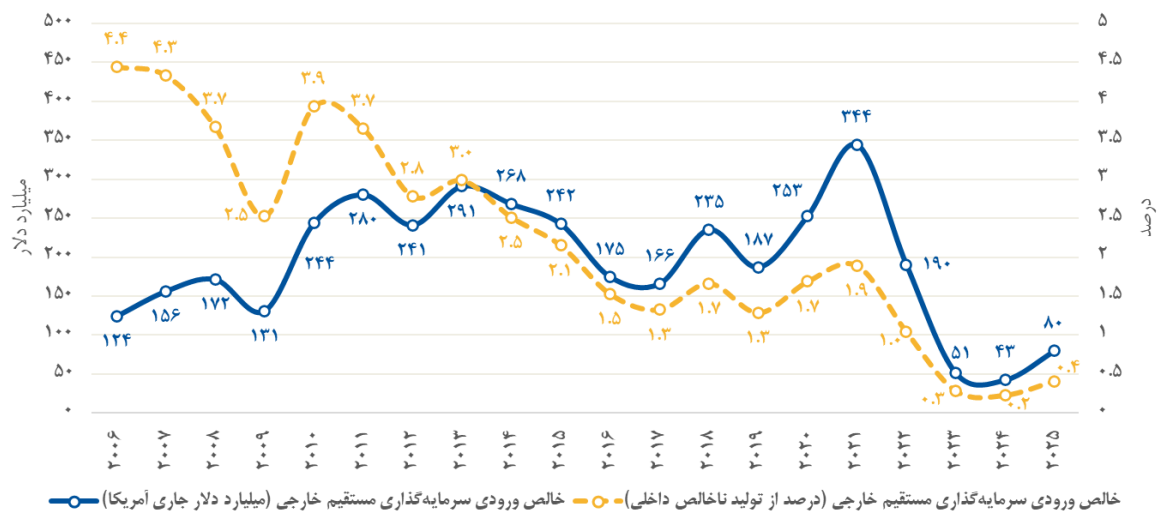
افزایش نسبت واردات خالص انرژی به مصرف، بیانگر اتکای بیشتر چین به منابع خارجی و اهمیت امنیت عرضه و مسیرهای حمل است. سهم قابل توجه سوخت در ارزش واردات نیز حساسیت هزینه‌های تولید به قیمت جهانی انرژی را نشان می‌دهد. در این بازار، قیمت رقابتی، استمرار عرضه و قابلیت اطمینان در تحویل، عوامل اصلی حفظ مشتری‌اند.



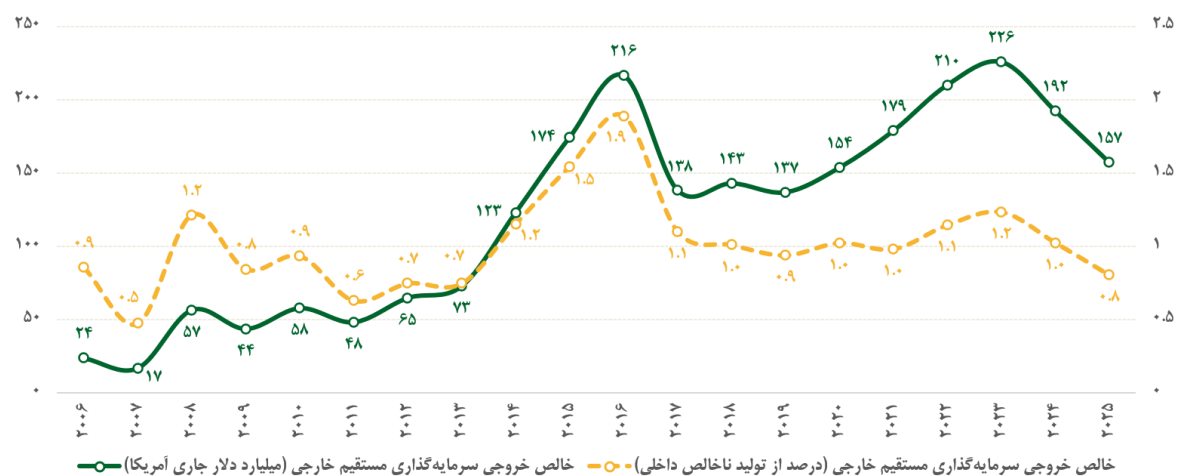
نمودار ۱-۱۹- روند واردات انرژی و سوخت در چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ (منبع: بانک جهانی)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی به چین پس از اوج سال ۲۰۲۱ کاهش یافته و در سال پایانی بخشی از افت خود را جبران کرده است. کاهش وزن این جریان نسبت به اندازه اقتصاد، اهمیت سودآوری و مزیت‌های اختصاصی صنایع را در جذب سرمایه برجسته می‌کند.

در مقابل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خروجی، با وجود نوسانات، نسبت به ابتدای دوره در سطح بالاتری قرار دارد و نشان‌دهنده گسترش فعالیت برون‌مرزی بنگاه‌های چینی است. برای ایران، بهره‌برداری از این ظرفیت به ارائه پروژه‌هایی وابسته است که با نیاز شریک چینی به بازار، نهاده، بهره‌وری یا دسترسی منطقه‌ای پیوند مشخص داشته باشند.



نمودار ۱-۲۰- روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی به چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)



نمودار ۱-۲۱- روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خروجی از چین طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: بانک جهانی)

به عنوان جمع‌بندی فصل، بازار بزرگ و ظرفیت صنعتی و سرمایه‌گذاری چین، فرصت‌هایی برای توسعه صادرات، تأمین فناوری و اجرای پروژه‌های مشترک فراهم می‌کند. افزایش وابستگی به واردات انرژی و فزونی خالص جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خروجی بر ورودی، اهمیت عرضه پایدار و همکاری با بنگاه‌های چینی در خارج را برجسته می‌سازد. هم‌زمان، کاهش شتاب رشد، سالمندی جمعیت و گسترش فناوری، تقاضا و اولویت‌های تولیدی را تغییر می‌دهد؛ تحولاتی که انتخاب هدفمند بازار و طراحی همکاری‌های دارای توجیه اقتصادی را برای بخش خصوصی ایران ضروری می‌کند.

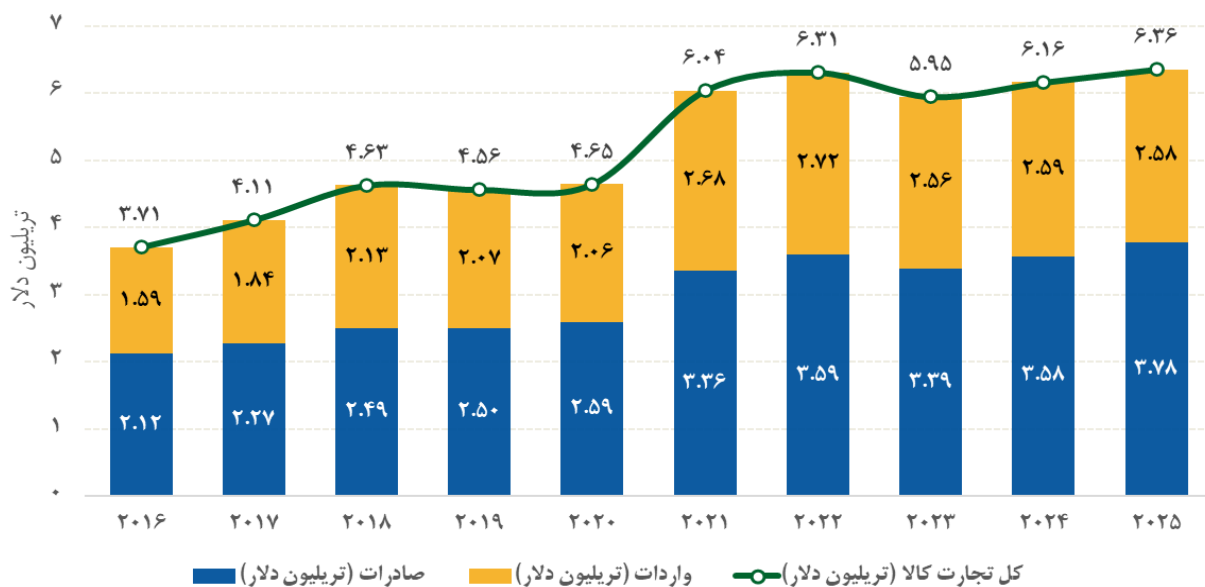


فصل دوم: تجارت خارجی چین و روابط تجاری با ایران



۲-۱- اندازه و روند تجارت کالایی چین با جهان

بر اساس نمودار ذیل، تجارت کالایی چین در فاصله ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ از حدود ۳.۷ به حدود ۶.۴ تریلیون دلار افزایش یافته است. در سال پایانی، صادرات حدود ۳.۸ و واردات حدود ۲.۶ تریلیون دلار بوده و فاصله قابل توجه میان آن‌ها، مازاد تجاری بزرگ این کشور را نشان می‌دهد.



نمودار ۲-۱- روند تجارت کالایی چین با جهان طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ (منبع: مرکز تجارت بین‌الملل)

روند بلندمدت، از گسترش مقیاس تجارت حکایت دارد، اما نوسان سالانه ارزش دلاری مبادلات می‌تواند از تغییر حجم، قیمت کالاها و نرخ ارز ناشی شود. برای صادرکننده ایرانی، بزرگ‌بودن واردات چین نقطه آغاز بررسی است؛ تصمیم ورود باید بر تقاضای محصول مشخص، رقبا و هزینه دسترسی به بازار استوار باشد.

۲-۲- مقاصد و ترکیب کالایی صادرات چین

ترکیب مقاصد صادراتی، گستردگی حضور چین در بازارهای مصرف و شبکه‌های تولید جهانی را نشان می‌دهد. بر اساس جدول، ایالات متحده آمریکا با سهم ۱۱.۱ درصد، بزرگ‌ترین مقصد صادراتی چین است و هنگ کنگ و ویتنام در رتبه‌های بعدی قرار دارند. حضور اقتصادهای بزرگی مانند ژاپن، هند و آلمان در کنار مراکز تجاری و تولیدی آسیایی، بیانگر تنوع بازارهای هدف و پیوند صادرات چین با نیازهای مصرفی و صنعتی اقتصادهای مختلف است.

جایگاه برجسته هنگ کنگ و اقتصادهای آسیای شرقی و جنوب‌شرقی، اهمیت شبکه‌های توزیع، صادرات مجدد و زنجیره‌های تولید منطقه‌ای را نیز برجسته می‌کند. بخشی از کالاهای چینی در این مقاصد مصرف می‌شود و بخشی دیگر، به صورت قطعات، مواد واسطه‌ای و تجهیزات، در تولید و صادرات سایر اقتصادها به کار می‌رود. این تنوع جغرافیایی و کارکردی، امکان توزیع ریسک میان بازارهای مختلف را فراهم می‌کند؛ در عین حال، اهمیت بازار آمریکا و پیوندهای تولیدی آسیایی، صادرات چین را به تحولات تقاضا و سیاست‌های تجاری این اقتصادها حساس نگه می‌دارد.



جدول ۱-۲- ده کشور عمده طرف صادرات کالایی چین در سال ۲۰۲۵ و جایگاه ایران

رتبه	کشور طرف تجاری	ارزش صادرات (میلیارد دلار)	سهم در صادرات چین (درصد)
۱	ایالات متحده امریکا	۴۲۱	۱۱.۱
۲	هنگ کنگ	۳۳۷	۸.۹
۳	ویتنام	۱۹۹	۵.۳
۴	ژاپن	۱۵۷	۴.۲
۵	کره جنوبی	۱۴۵	۳.۸
۶	هند	۱۳۶	۳.۶
۷	آلمان	۱۱۸	۳.۱
۸	مالزی	۱۰۴	۲.۷
۹	تایلند	۱۰۴	۲.۷
۱۰	فدراسیون روسیه	۱۰۳	۲.۷
۳۷	ایران*	۲۰	۰.۵
	کل صادرات چین	۳۷۷۶	۱۰۰.۰

منبع: مرکز تجارت بین‌الملل (ITC) و گمرک جمهوری اسلامی ایران

* در خصوص ایران، با توجه به اختلاف قابل توجه آمارهای مرکز تجارت بین‌الملل و گمرک جمهوری اسلامی ایران، در جهت افزایش دقت و رسمیت بخشی بیشتر به داده‌ها، از آخرین آمار رسمی سالیانه گمرک مربوط به سال ۱۴۰۳، به عنوان جایگزینی نزدیک برای آمارهای سال ۲۰۲۵ استفاده شده است.

جدول ۲-۲- ده گروه کالایی عمده صادراتی چین به جهان در سال ۲۰۲۵

رتبه	کد فصل تعرفه	عنوان فصل تعرفه یا گروه کالایی	ارزش صادرات (میلیارد دلار)	سهم از صادرات چین (درصد)
۱	۸۵	ماشین‌آلات و تجهیزات برقی و اجزای آن‌ها؛ دستگاه‌های ضبط و پخش صوت، تلویزیون ...	۹۷۲	۲۵.۷
۲	۸۴	راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار، ماشین‌آلات و دستگاه‌های مکانیکی؛ اجزای آن‌ها	۶۲۵	۱۶.۶
۳	۸۷	وسایل نقلیه، به استثنای وسایل نقلیه ریلی یا تراموایی، و اجزا و لوازم جانبی آن‌ها	۲۵۷	۶.۸
۴	۳۹	پلاستیک‌ها و مصنوعات آن‌ها	۱۴۲	۳.۸
۵	۹۴	مبلمان؛ کالای خواب، تشک‌ها، نگهدارنده‌های تشک، کوسن‌ها و اقلام پرشده‌ی مشابه؛ ...	۱۱۸	۳.۱
۶	۹۹	کالاهایی که در جای دیگر مشخص نشده‌اند	۱۱۷	۳.۱
۷	۷۳	مصنوعات آهنی یا فولادی	۱۰۹	۲.۹
۸	۹۰	نوری، عکاسی، سینمایی، اندازه‌گیری، بازرسی، دقیق، پزشکی یا جراحی ...	۸۹	۲.۳
۹	۲۹	مواد شیمیایی آلی	۸۴	۲.۲
۱۰	۶۱	اقلام پوشاک و لوازم جانبی پوشاک، بافته‌شده (به روش کشاف یا قلاب‌بافی)	۸۲	۲.۲

منبع: مرکز تجارت بین‌الملل (ITC)

علاوه بر این، ترکیب کالایی صادرات چین (جدول ۲-۲) نشان می‌دهد که سه فصل تجهیزات برقی، ماشین‌آلات مکانیکی و وسایل نقلیه، مجموعاً حدود ۴۹ درصد صادرات این کشور را تشکیل می‌دهند. این تمرکز، بیانگر جایگاه برجسته تولیدات صنعتی در صادرات چین و ظرفیت آن برای تأمین ماشین‌آلات، تجهیزات و قطعات مورد نیاز بنگاه‌های ایرانی است. بهره‌گیری هدفمند از این ظرفیت می‌تواند به نوسازی خطوط تولید، افزایش بهره‌وری و ارتقای کیفیت محصولات داخلی کمک کند. تحقق این مزایا مستلزم انتخاب تجهیزات متناسب با نیاز تولید و توجه هم‌زمان به کیفیت، هزینه بهره‌برداری، آموزش و خدمات پس از فروش است. همچنین، پیوند خرید تجهیزات با انتقال دانش فنی و توسعه ساخت قطعات در داخل می‌تواند زمینه همکاری‌های تولیدی پایدارتر میان بنگاه‌های دو کشور را فراهم سازد.

۲-۳- مبادی و ترکیب کالایی واردات چین

ترکیب مبادی واردات کالایی چین (جدول ۲-۳)، دو نوع پیوند اقتصادی را آشکار می‌کند: ارتباط با اقتصادهای تأمین‌کننده قطعات و فناوری، و ارتباط با عرضه‌کنندگان انرژی، مواد معدنی و محصولات کشاورزی. حضور تایوان، کره جنوبی و ژاپن در کنار استرالیا، روسیه و برزیل، بازتاب این دو نیاز مکمل است. چین برای حفظ ظرفیت تولید و صادرات خود، هم به نهاده‌ها و تجهیزات صنعتی و هم به منابع طبیعی و مواد اولیه نیاز دارد؛ از این رو، بازار وارداتی آن مجموعه‌ای از بازارهای تخصصی با الزامات تجاری و فنی متفاوت است.

جدول ۲-۳- ده کشور عمده طرف واردات کالایی چین در سال ۲۰۲۵ و جایگاه ایران

رتبه	کشور طرف تجاری	ارزش واردات (میلیارد دلار)	سهم در واردات چین (درصد)
۱	تایوان	۲۳۱	۸.۹
۲	کره جنوبی	۱۸۷	۷.۳
۳	ژاپن	۱۶۵	۶.۴
۴	ایالات متحده آمریکا	۱۴۱	۵.۵
۵	استرالیا	۱۲۸	۵
۶	چین	۱۲۶	۴.۹
۷	فدراسیون روسیه	۱۲۴	۴.۸
۸	برزیل	۱۱۶	۴.۵
۹	ویتنام	۹۸	۳.۸
۱۰	آلمان	۹۳	۳.۶
۵۰	ایران	۱۵	۰.۶
	کل واردات چین	۲۵۷۹	۱۰۰.۰

منبع: مرکز تجارت بین‌الملل (ITC) و گمرک جمهوری اسلامی ایران

* در خصوص ایران، با توجه به اختلاف قابل توجه آمارهای مرکز تجارت بین‌الملل و گمرک جمهوری اسلامی ایران، در جهت افزایش دقت و رسمیت‌بخشی بیشتر به داده‌ها، از آخرین آمار رسمی سالیانه گمرک مربوط به سال ۱۴۰۳، به عنوان جایگزینی نزدیک برای آمارهای سال ۲۰۲۵ استفاده شده است.

علاوه بر این، در ترکیب کالایی واردات، تجهیزات برقی، سوخت‌های معدنی، سنگ‌های معدنی و ماشین‌آلات مکانیکی، مجموعاً حدود ۶۱ درصد ارزش واردات را تشکیل می‌دهند. سهم بالای این گروه‌ها، اهمیت تأمین نیازهای تولیدی و انرژی در تقاضای وارداتی چین را نشان می‌دهد. حضور مس، مواد شیمیایی آلی و پلاستیک‌ها در میان گروه‌های عمده نیز با بخشی از توان صادراتی ایران هم‌پوشانی دارد و زمینه بررسی فرصت‌های فروش به مصرف‌کنندگان صنعتی چین را فراهم می‌کند. بهره‌برداری از این ظرفیت، به قیمت رقابتی، کیفیت یکنواخت، استمرار عرضه و شرایط وصول مطالبات وابسته است.

جدول ۲-۴- ده گروه کالایی عمده وارداتی چین از جهان در سال ۲۰۲۵

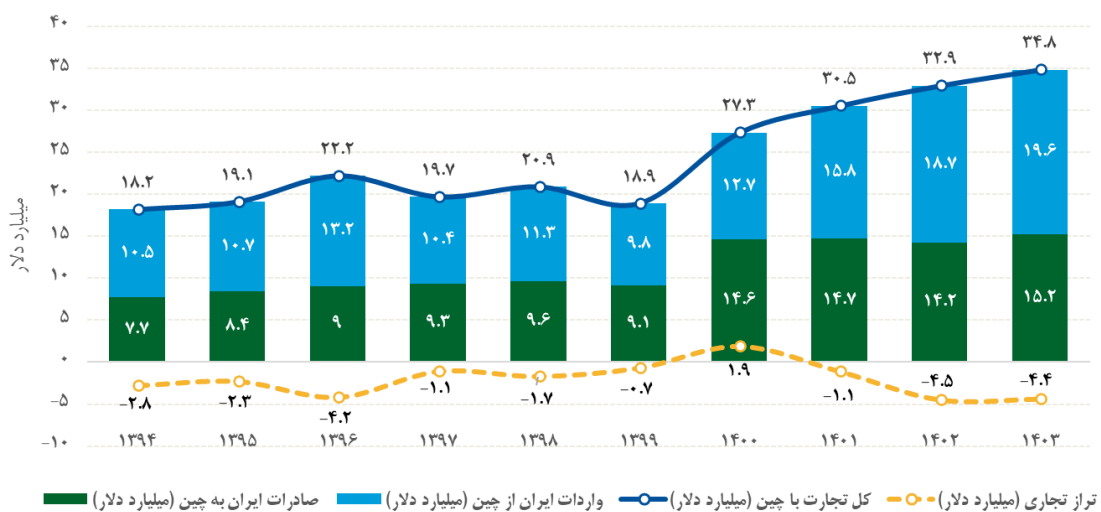
رتبه	کد فصل تعرفه	عنوان فصل تعرفه یا گروه کالایی	ارزش واردات (میلیارد دلار)	سهم از واردات چین (درصد)
۱	۸۵	ماشین‌آلات و تجهیزات برقی و اجزای آن‌ها؛ دستگاه‌های ضبط و پخش صوت، تلویزیون ...	۵۹۰	۲۲.۹
۲	۲۷	سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آن‌ها؛ مواد قیری؛ معدنی ...	۴۴۳	۱۷.۲
۳	۲۶	سنگ‌های معدنی، سرباره و خاکستر	۲۶۹	۱۰.۴
۴	۸۴	راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار، ماشین‌آلات و دستگاه‌های مکانیکی؛ اجزای آن‌ها	۲۶۸	۱۰.۴
۵	۷۱	مرواریدهای طبیعی یا پرورشی، سنگ‌های قیمتی یا نیمه‌قیمتی، فلزات گران‌بها، فلزات روکش‌شده...	۱۱۸	۴.۶
۶	۹۰	نوری، عکاسی، سینمایی، اندازه‌گیری، بازرسی، دقیق، پزشکی یا جراحی ...	۸۵	۳.۳
۷	۷۴	مس و مصنوعات آن	۷۵	۲.۹
۸	۱۲	دانه‌های روغنی و میوه‌های حاوی روغن؛ غلات، دانه‌ها و میوه‌های گوناگون؛ [محصولات] صنعتی یا دارویی...	۵۷	۲.۲
۹	۳۹	پلاستیک‌ها و مصنوعات ساخته‌شده از آن‌ها	۵۶	۲.۲
۱۰	۲۹	مواد شیمیایی آلی	۵۰	۱.۹

منبع: مرکز تجارت بین‌الملل (ITC)

در مجموع، گستردگی واردات چین و نیاز صنایع آن به انرژی، مواد اولیه و نهاده‌های تولید، زمینه توسعه صادرات ایران را فراهم می‌کند. برای بنگاه ایرانی، بهره‌برداری از این ظرفیت مستلزم شناسایی محصول و مشتری مشخص و بررسی الزامات کیفی و فنی، هزینه تحویل در مقصد و شرایط عرضه رقابتی است. ارتباط مستقیم با واحدهای مصرف‌کننده و واردکنندگان تخصصی می‌تواند شناخت نیاز بازار و امکان انعقاد قراردادهای تأمین مستمر را تقویت کند. در این مسیر، کیفیت یکنواخت، تحویل به‌موقع و سازوکار مطمئن دریافت وجه، پایه‌های حفظ مشتری و پایداری فروش‌اند. حرکت به سوی محصولات فرآوری‌شده و متناسب با نیاز خریدار نیز می‌تواند ارزش افزوده صادرات و جایگاه بنگاه ایرانی در زنجیره تأمین چین را ارتقا دهد.

۲-۴- روند و ساختار تجارت کالایی ایران و چین

نمودار تجارت دوجانبه (نمودار ۲-۲) نشان می‌دهد که ارزش مبادلات ثبت شده از حدود ۱۸.۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۴ به حدود ۳۴.۸ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ رسیده و در این فاصله تقریباً دو برابر شده است. این افزایش، گسترش پیوندهای تجاری دو کشور و اهمیت چین به عنوان بازار صادراتی و تأمین کننده کالا برای ایران را نشان می‌دهد. در سال پایانی، واردات ایران از چین از صادرات به این کشور بیشتر بوده و تراز تجاری ثبت شده برای ایران منفی است؛ وضعیتی که اهمیت بررسی همزمان ظرفیت توسعه صادرات و نقش واردات در اقتصاد داخلی را برجسته می‌کند.



نمودار ۲-۲- روند تجارت کالایی ایران با چین طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ (منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران)

در ده ماهه ۱۴۰۴ نیز فزونی واردات بر صادرات ادامه یافته است؛ ارزش صادرات ایران به چین حدود ۱۰.۹ میلیارد دلار و واردات از آن حدود ۱۳.۴ میلیارد دلار بوده است؛ بنابراین، مجموع تجارت ثبت شده به حدود ۲۴.۳ میلیارد دلار و کسری تجاری ایران به حدود ۲.۵ میلیارد دلار می‌رسد. این ارقام، استمرار مبادلات گسترده را نشان می‌دهند.

در عین حال، ساختار صادرات کالایی ایران به چین تمرکز بالایی دارد. پروپان، متانول و بوتان، بر پایه ارقام جدول ذیل، مجموعاً حدود ۴۸.۲ درصد ارزش صادرات ثبت شده را تشکیل می‌دهند. سایر اقلام عمده نیز شامل سنگ آهن و کنسانتره، انواع پلی اتیلن، قیر و اتیلن گلیکول است. این ترکیب نشان می‌دهد که جایگاه اصلی ایران در بازار چین، تأمین انرژی، مواد اولیه و محصولات میانی مورد نیاز زنجیره‌های صنعتی این کشور است.

جدول ۲-۵- کالاهای عمده صادراتی ایران به چین طی ۱۰ ماهه ۱۴۰۴ (بر اساس کد HS هشت رقمی)

رتبه	شرح کالا	ارزش صادرات (میلیون دلار)	سهم از کل صادرات به چین (درصد)
۱	پروپان مایع شده در ظروف یک هزار سانتی متر مکعب و بیشتر	۲۲۳۲	۲۰.۴
۲	متانول	۱۶۷۳	۱۵.۳
۳	بوتان مایع شده در ظروف یک هزار سانتی متر مکعب و بیشتر	۱۳۶۱	۱۲.۵
۴	کنسانتره آهن	۷۵۹	۷
۵	سنگ آهن به هم فشرده شده و کنسانتره های آن، به جز پیریت های آهن تفته شده	۷۴۸	۶.۹
۶	پلی اتیلن گرید فیلم با وزن مخصوص کمتر از ۰.۹۴	۷۰۹	۶.۵
۷	پلی اتیلن گرید فیلم با وزن مخصوص ۰.۹۴ یا بیشتر	۳۹۴	۳.۶
۸	قیر نفت	۳۵۹	۳.۳
۹	اتیلن گلیکول (اتان دی ال)	۲۸۸	۲.۶
۱۰	پلی اتیلن گرید بادی با وزن مخصوص ۰.۹۴ یا بیشتر	۲۲۹	۲.۱

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران و محاسبات گزارش

این ساختار، زمینه‌ای برای قراردادهای تأمین مستمر با مصرف کنندگان صنعتی چین فراهم می‌کند و در عین حال، درآمد صادراتی را به قیمت جهانی کالاهای پایه، سطح فعالیت صنایع چینی و استمرار تولید و حمل وابسته می‌سازد. از این رو، توسعه صادرات می‌تواند با تثبیت مشتریان موجود، بهبود کیفیت و گرید محصولات، افزایش فرآوری و تنوع بخشی تدریجی به سبد کالاها دنبال شود. شناخت نیاز واحدهای مصرف کننده و همکاری با وارد کنندگان تخصصی نیز می‌تواند به تقویت موقعیت بنگاه‌های ایرانی در این زنجیره‌ها کمک کند.

بر اساس جدول ۲-۶ و در سوی واردات، حضور قطعات منفصله خودرو، تجهیزات خورشیدی، قطعات الکترونیکی و ماشین آلات نورد نشان می‌دهد که بخشی از رابطه تجاری با چین مستقیماً به تأمین نهاده، تجهیز خطوط تولید و سرمایه گذاری داخلی پیوند خورده است. این ترکیب، نقش چین را در تأمین نیاز صنایع ایران و فراهم کردن امکانات نوسازی تولید برجسته می‌سازد. همچنین، وابستگی فعالیت برخی بنگاه‌ها به قطعات و تجهیزات چینی، اهمیت استمرار تأمین، دسترسی به قطعات یدکی و خدمات فنی را افزایش می‌دهد.

بر این اساس، ارزیابی رابطه تجاری دو کشور باید علاوه بر تراز مبادلات، آثار ترکیب واردات بر ظرفیت تولید، بهره‌وری، مصرف انرژی، کیفیت محصول و توان صادراتی ایران را نیز در بر گیرد. برای بنگاه ایرانی، مزیت تأمین از چین زمانی پایدارتر می‌شود که انتخاب تجهیزات بر پایه نیاز واقعی تولید و هزینه کل بهره‌برداری انجام شود و خرید با آموزش، نگهداری، تأمین قطعات و انتقال دانش فنی همراه باشد. پیوند این فرایند با توسعه ساخت داخل و همکاری‌های تولیدی می‌تواند ارزش افزوده بیشتری از تجارت دوجانبه برای اقتصاد ایران ایجاد کند.

جدول ۲-۶- کالاهای عمده وارداتی ایران از چین طی ۱۰ ماهه ۱۴۰۴ (بر اساس کد HS هشت رقمی)

رتبه	شرح کالا	ارزش واردات (میلیون دلار)	سهم از کل واردات از چین (درصد)
۱	قطعات منفصله خودرو سواری بنزینی تا ۱۵۰۰ سی‌سی، با ساخت داخل ۲۰ تا کمتر از ۵۰ درصد	۷۹۵	۵.۹
۲	سلول‌های فتوولتائیک مونتاژ شده در ماژول یا پانل	۴۶۹	۳.۵
۳	اجزا و قطعات مدارهای مجتمع الکترونیکی (آی‌سی‌ها)	۳۶۵	۲.۷
۴	قطعات منفصله خودرو سواری بنزینی با حجم سیلندر ۲۰۰۰ سی‌سی، با ساخت داخل کمتر از ۱۴ درصد	۳۱۸	۲.۴
۵	قطعات منفصله خودرو سواری بنزینی با ساخت داخل ۶۰ درصد و بیشتر، به‌استثنای لاستیک	۲۷۲	۲
۶	قطعات منفصله خودرو سواری بنزینی با حجم سیلندر ۲۰۰۰ سی‌سی، با ساخت داخل ۱۴ تا کمتر از ۳۰ درصد، به‌استثنای لاستیک	۲۰۲	۱.۵
۷	موتورسیکلت با ساخت داخل ۲۰ درصد، به‌استثنای موتور، لاستیک و تنه، اگزوز، ترک‌بند، جاپایی، درپوش بغل، دوشاخه و کربی	۱۹۰	۱.۴
۸	طلای خام، از جمله طلای آبکاری شده با پلاتین، برای مصارف غیرپولی	۱۷۶	۱.۳
۹	ماشین‌های نورد گرم و ماشین‌های نورد گرم و سرد توأم برای فلزات	۱۷۲	۱.۳
۱۰	قطعات منفصله تراکتورهای جاده‌ای برای نیمه‌تریلرها، با ساخت داخل کمتر از ۱۴ درصد	۱۶۹	۱.۳

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران و محاسبات گزارش

۲-۵- مسیرهای حمل و کریدورهای تجارت کالایی ایران و چین

بهره‌برداری از فرصت‌های تجارت با چین، علاوه بر انتخاب محصول و شریک تجاری، به انتخاب مسیر حمل مناسب وابسته است. محل تولید و مصرف، نوع و حجم کالا، ارزش محموله، حساسیت به زمان تحویل و دسترسی به خدمات حمل و بیمه، تعیین می‌کنند که کدام مسیر برای بنگاه توجیه بیشتری دارد. از این‌رو، توسعه تجارت با چین باید با ارزیابی هم‌زمان بازار و لجستیک همراه شود؛ زیرا مزیت قیمت خرید یا فروش ممکن است تحت تأثیر هزینه حمل، توقف مرزی و خواب سرمایه کاهش یابد.

در این چارچوب، حمل دریایی به بنادر جنوبی، مسیرهای ریلی آسیای مرکزی، حمل ترکیبی از خزر و مسیر دریایی-زمینی از پاکستان، گزینه‌هایی با کارکردهای متفاوت‌اند. مسیر دریایی به بنادر داخل خلیج فارس با عبور از تنگه هرمز همراه است؛ در مقابل، دسترسی به چابهار و بنادر پاکستان از سمت اقیانوس هند، به عبور از این تنگه نیاز ندارد. مسیرهای ریلی ورودی از اینچ‌برون و سرخس نیز امکان اتصال زمینی به ایران را فراهم می‌کنند (شکل ۲-۱ و جدول ۲-۷).



—— ریلی از قزاقستان و ترکمنستان
- - - گزینه ترکیبی خزر؛ نیازمند ارزیابی
—— شاخه ریلی ازبکستان / سرخس
- - - مسیر مکمل از پاکستان؛ دریایی و جاده‌ای
—— محور دریایی از مالاکا و هرمز

شکل ۱-۲- شماتیک برخی مسیرهای قابل بررسی برای تجارت کالایی میان چین و ایران

برای بنگاه ایرانی، مقایسه مسیرها باید بر پایه هزینه و قابلیت اتکای تحویل تا مقصد نهایی انجام شود. این ارزیابی، علاوه بر کرایه حمل، هزینه عملیات بندری و مرزی، انبارداری، تضمین ترانزیت، بیمه، خواب سرمایه و خسارت احتمالی تأخیر را دربر می‌گیرد. در مسیر کراچی-ایران، پذیرش مقصد نهایی توسط شرکت حمل، ترتیبات انتقال یا بازگشت کانتینر و مسئولیت طرفین در مراحل دریایی و زمینی باید از ابتدا روشن باشد. مقایسه این مسیر با حمل به چابهار نیز ضروری است؛ زیرا هر دو بدون عبور از هرمز به ایران دسترسی می‌دهند، اما ساختار هزینه و تشریفات آن‌ها متفاوت است.

راهبرد مناسب، آماده‌سازی مسیر جایگزین برای کالاهای حساس، پیش از بروز اختلال است. قطعات جلوگیری‌کننده از توقف تولید و برخی تجهیزات با ارزش بیشتر نسبت به وزن، می‌توانند در اولویت بررسی قرار گیرند. برای کالاهای حجیم یا نیازمند تجهیزات ویژه، مانند پروپان، بوتان و متانول، تغییر مسیر مستلزم بررسی مستقل ظرفیت و امکانات حمل است. در نهادهای قابل تأمین از کشورهای منطقه نیز باید تغییر مبدأ خرید را در کنار تغییر مسیر حمل سنجید؛ گاهی تأمین از عرضه‌کننده نزدیک‌تر، از انتقال همان کالا از چین در مسیری طولانی‌تر اقتصادی‌تر خواهد بود.

جدول ۲-۷- برخی مسیرهای قابل بررسی برای تجارت کالایی میان ایران و چین و ملاحظات انتخاب آن‌ها

مسیر	امتداد کلی و ورودی ایران	کاربرد تجاری	ملاحظات اصلی
دریایی به بنادر داخل خلیج فارس	بنادر چین، اقیانوس هند، تنگه هرمز و بنادر ایران، از جمله بندرعباس	محموله‌های کانتینری و، با تجهیزات متناسب، کالاهای حجیم و مواد اولیه	دسترسی به سرویس، کرایه و بیمه، امنیت هرمز، ظرفیت بندر و هزینه حمل تا مقصد داخلی
دریایی به چابهار	بنادر چین، اقیانوس هند و چابهار؛ سپس حمل داخلی	محموله‌هایی که دسترسی به سرویس دریایی و مقصد داخلی، استفاده از چابهار را توجیه می‌کند	ورود بدون عبور از هرمز؛ لزوم بررسی سرویس مستقیم یا انتقالی، تجهیزات بندری و هزینه ادامه مسیر
ریلی از قزاقستان و ترکمنستان	شبکه ریلی چین، قزاقستان و ترکمنستان؛ ورود از اینچه‌برون	کالاهای کانتینری، قطعات، تجهیزات و محموله‌های سازگار با خدمات ریلی موجود	هماهنگی راه‌آهن‌ها، تفاوت عرض خط و عملیات انتقال، تأمین واگن، توقف مرزی و برنامه حرکت
ریلی از مسیر ازبکستان و ترکمنستان	چین، قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان؛ ورود از سرخس	محموله‌هایی که مبدأ، مقصد و خدمات قابل رزرو، مسیر سرخس را مناسب می‌سازد	تعدد مراحل ترانزیت، ظرفیت انتقال بار، زمان توقف و استمرار سرویس
ترکیبی از دریای خزر	انتقال زمینی به بندر مناسب در خزر و حمل دریایی به بنادر شمالی ایران	محموله‌های منتخب چین و تأمین منطقه‌ای، در صورت وجود زنجیره حمل هماهنگ	تعدد تخلیه و بارگیری، برنامه کشتی، شرایط جوی، تجهیزات بندری و هزینه کل؛ نیازمند ارزیابی موردی
دریایی-زمینی از کراچی به ریمدان	بنادر چین، کراچی یا بندر قاسم، مسیر ساحلی پاکستان از ارمارا و پسنی، گبد-ریمدان	قطعات، تجهیزات و کالاهای کانتینری منتخب، به‌ویژه در صورت مزیت مقصد در شرق و جنوب شرق ایران	ترانزیت پاکستان، امنیت جاده، پذیرش مرزی، عملیات کانتینر و هزینه ادامه حمل در ایران
دریایی-زمینی از کراچی به میرجاوه	بنادر چین، کراچی یا بندر قاسم، مسیر تعیین شده از خُضدار و دال‌بندین، تفتان-میرجاوه	محموله‌های منتخب قابل حمل جاده‌ای و تأمین واحدهای تولیدی، پس از مقایسه هزینه و زمان	ظرفیت و امنیت مسیر، مجوز و تضمین ترانزیت، ناوگان، توقف مرزی و اتصال به مقصد نهایی

منبع: یافته‌های گزارش

در جمع‌بندی فصل باید بیان نمود، بررسی تجارت خارجی چین، جایگاه هم‌زمان این کشور را به‌عنوان عرضه‌کننده بزرگ محصولات صنعتی و خریدار انرژی، مواد اولیه و نهادهای تولید نشان می‌دهد. برای ایران، این ساختار فرصت‌هایی در توسعه صادرات، تأمین تجهیزات و پیوند با زنجیره‌های تولید ایجاد می‌کند. تجارت دوجانبه نیز از یک‌سو با تمرکز صادرات ایران بر محصولات پتروشیمی و معدنی و از سوی دیگر با حضور قطعات، ماشین‌آلات و تجهیزات در واردات همراه است؛ بنابراین، ارتقای کیفیت، افزایش فراوری و تأمین فناوری می‌تواند به تقویت ارزش افزوده تولید داخلی کمک کند. تحقق این ظرفیت‌ها به انتخاب مشتری و تأمین‌کننده معتبر، ترتیبات پرداخت و دسترسی لجستیکی قابل اتکا وابسته است. در کنار بنادر جنوبی، مسیرهای آسیای مرکزی، خزر و دسترسی دریایی-زمینی از پاکستان، امکان تنوع‌بخشی به مسیرها را برای محموله‌های مناسب فراهم می‌کنند. اولویت بخش خصوصی، تبدیل این ظرفیت‌ها به قراردادهای پایدار فروش و تأمین و همکاری‌هایی است که بهره‌وری و توان رقابت بنگاه‌های ایرانی را افزایش دهد.



فصل سوم: فرصت های تجارت کالایی و همکاری های سرمایه گذاری



۳-۱- فرصت‌های توسعه صادرات کالایی ایران به چین

برآوردهای «نقشه پتانسیل صادراتی» مرکز تجارت بین‌الملل، ابزاری برای شناسایی اولیه محصولات و بازارهای دارای ظرفیت رشد است. این مدل از عواملی مانند توان عرضه، تقاضا و سهولت تجارت دوجانبه استفاده می‌کند. نتایج آن باید نقطه آغاز بررسی بازار تلقی شود، نه پیش‌بینی قطعی فروش یا سودآوری بنگاه.

جدول ۳-۱- ده کالای برتر دارای پتانسیل صادراتی تحقق نیافته جهت صادرات از ایران به چین

رتبه	شرح کالا	پتانسیل صادراتی (میلیون دلار)	صادرات تحقق یافته (میلیون دلار)	ظرفیت مازاد یا پتانسیل تحقق نیافته (میلیون دلار)
۱	سنگ‌های آهن و کنسانتره‌های آن، به صورت غیر کلوخه شده	۹۱۱	۳۹۱	۵۲۰
۲	کاتدهای مسی	۸۴۸	۴۲۰	۴۲۸
۳	پلی اتیلن، با وزن مخصوص ۰.۹۴ یا بیشتر، به اشکال اولیه	۱۲۰۰	۹۲۲	۲۴۹
۴	اتیلن گلیکول	۴۸۴	۲۶۰	۲۲۴
۵	پسته	۳۷۷	۱۹۱	۱۸۷
۶	سنگ‌ها و کنسانتره‌های آهن، آگلومره شده	۶۲۹	۵۰۹	۱۲۰
۷	آلومینیوم، کار نشده	۲۴۳	۱۵۲	۹۲
۸	مرمر و تراورتن، برش خورده	۱۲۴	۵۲	۷۲
۹	میلگردها و میله‌های آهنی/ فولادی، آجدار	۶۷	۰.۰۰۷	۶۷
۱۰	مس تصفیه شده، طبقه بندی نشده در جای دیگر	۶۰	۰.۵	۶۰

منبع: مرکز تجارت بین‌الملل (ITC: Export Potential Map)

ترکیب جدول ۳-۱ نشان می‌دهد که بخش مهمی از ظرفیت شناسایی شده، به توسعه صادرات محصولات موجود در زنجیره‌های معدنی و پتروشیمی مربوط است. در این گروه، مسئله معمولاً فقط یافتن مشتری جدید نیست؛ استمرار تولید، یکنواختی کیفیت، مشخصات فنی و قرارداد تأمین پایدار نیز اهمیت دارد.

برای سنگ آهن، مس، آلومینیوم و محصولات پلیمری، بررسی فرصت باید با مقایسه هزینه تحویل، کیفیت محصول و شرایط پرداخت رقبا همراه باشد. ظرفیت مدل در صورتی به صادرات تبدیل می‌شود که عرضه کننده ایرانی بتواند تعهد حجمی و زمانی خود را حفظ کند.

پسته، سنگ‌های ساختمانی و سایر محصولات دارای امکان تمایز، به رویکرد متفاوتی نیاز دارند. در این گروه، کنترل کیفیت، بسته بندی، استاندارد، برند و دسترسی به شبکه توزیع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین، اولویت هر بنگاه در انتخاب فرصت‌های صادراتی، علاوه بر ارزش بالقوه بازار، به توان آن در تأمین کیفیت مورد انتظار، متمایز کردن محصول و دسترسی به مشتریان وابسته است؛ از این رو، کالایی با ظرفیت صادراتی کمتر نیز می‌تواند برای آن بنگاه گزینه مناسب‌تری باشد.

۳-۲- فرصت‌های تأمین کالا و فناوری از چین

جدول ظرفیت صادرات چین به ایران، از دید بنگاه ایرانی، مبنایی اولیه برای شناسایی گزینه‌های تأمین کالا، نهاده و تجهیزات است. «پتانسیل تحقق نیافته» در این جدول، فاصله تجارت موجود با ظرفیت برآوردشده را نشان می‌دهد. بهره‌برداری از این ظرفیت به تقاضای داخلی، هزینه تأمین و امکان فروش یا استفاده اقتصادی از کالا وابسته است.

جدول ۳-۲- ده کالای برتر دارای پتانسیل صادراتی تحقق نیافته جهت صادرات از چین به ایران

رتبه	شرح کالا	پتانسیل صادراتی (میلیون دلار)	صادرات تحقق یافته (میلیون دلار)	ظرفیت مازاد یا پتانسیل تحقق نیافته (میلیون دلار)
۱	گوشی تلفن همراه	۴۴۸	۱۰	۴۳۸
۲	رایانه‌های قابل حمل (لپ‌تاپ و نوت‌بوک)، با وزن حداکثر ۱۰ کیلوگرم	۱۴۹	۰.۵	۱۴۹
۳	سایر قطعات و اجزای رایانه‌ها	۶۵	۷.۶	۵۸
۴	سایر معرف‌های تشخیصی و آزمایشگاهی	۵۷	۳.۹	۵۳
۵	تجهیزات دریافت، تبدیل و انتقال داده؛ شامل مودم، روتر و سوئیچ شبکه	۱۱۹	۷۲	۴۸
۶	پارچه‌های رنگ‌شده با حداقل ۸۵ درصد پلی‌استر تکسچره	۱۶۶	۱۱۹	۴۸
۷	کنجاله سویا	۴۳	۰	۴۳
۸	ماشین‌های بافندگی بدون ماکو، برای پارچه‌های با عرض بیش از ۳۰ سانتی‌متر	۴۰	۲.۱	۳۸
۹	انواع اسباب‌بازی، عروسک و جورچین	۷۷	۴۱	۳۶
۱۰	سایر میوه‌های سخت‌پوست و مغزهای خوراکی	۳۳	۰	۳۳

منبع: مرکز تجارت بین‌الملل (ITC: Export Potential Map)

بر اساس جدول ۳-۲، گوشی تلفن همراه و رایانه‌های قابل حمل بیشترین ظرفیت تحقق نیافته جدول را دارند؛ بررسی تأمین مستقیم آن‌ها باید با شناخت عرضه موجود در ایران و نقش واسطه‌ها همراه باشد. قطعات رایانه، تجهیزات شبکه و معرف‌های آزمایشگاهی نیز فرصت‌هایی برای تأمین نیاز بنگاه‌ها و مراکز تخصصی و ارائه خدمات پشتیبانی فراهم می‌کنند. در نساجی، پارچه‌های پلی‌استر نیاز جاری تولید را تأمین می‌کنند و ماشین‌آلات بافندگی به نوسازی خطوط کمک می‌کنند. کنجاله سویا، اسباب‌بازی و مغزهای خوراکی نیز باید متناسب با تقاضا، کیفیت، قیمت و الزامات توزیع بررسی شوند.

انتخاب این فرصت‌ها برای بنگاه ایرانی به اعتبار تأمین‌کننده، مجوزها، امکان پرداخت و هزینه نهایی رقابتی وابسته است. در خرید تجهیزات، علاوه بر قیمت، هزینه نصب، مصرف انرژی، نگهداری و قطعات یدکی اهمیت دارد. همراه کردن خرید با آموزش، ضمانت عملکرد و انتقال دانش فنی می‌تواند به افزایش بهره‌وری بنگاه‌های ایرانی و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی کمک کند.

۳-۳- فرصت‌های همکاری اقتصادی مشترک ایران و چین در منطقه و ایران

بر اساس چارچوب تحلیلی گزارش «ایران در محاسبات استراتژیک چین؛ انتظارات، ملاحظات و فرصت‌های همکاری اقتصادی برای بخش خصوصی»، منتشرشده توسط معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی اتاق تهران، شناسایی فرصت‌های همکاری باید با توجه به راهبردهای کلان چین و انتظارات این کشور از همکاری با ایران، از جمله تأمین پایدار انرژی و مواد اولیه، امنیت مسیرهای تجاری، دسترسی به بازار و ثبات محیط کسب‌وکار انجام شود. در این چارچوب، همکاری زمانی قابلیت اجرا پیدا می‌کند که فناوری، تجهیزات و ظرفیت تولیدی شرکت‌های چینی با مزیت مشخص بنگاه ایرانی، مانند دسترسی به نهاده، شناخت بازار، توان مهندسی یا شبکه فروش در ایران و منطقه، پیوند بخورد. تبدیل این ظرفیت‌ها به همکاری عملی نیز مستلزم تعریف پروژه‌ای با مشتری مشخص، بازده اقتصادی قابل سنجش و ترتیبات روشن تأمین مالی و تقسیم مسئولیت است.

گزارش مذکور بر این باور است، برنامه همکاری بلندمدت ۲۵ ساله میان دو کشور، اگرچه چارچوبی برای شناسایی حوزه‌های همکاری فراهم می‌کند ولی تحقق مشارکت اقتصادی، به توافق در سطح پروژه، تعیین تعهدات طرفین و فراهم‌شدن شرایط اجرا وابسته است. مواضع رسمی چین نیز بر استمرار همکاری با ایران، حل سیاسی اختلافات و امنیت آبراه‌ها و حمل انرژی تأکید دارد. بنابراین، توسعه روابط اقتصادی با ایران، برای پکن با ثبات منطقه و امنیت زنجیره‌های تأمین پیوند دارد و تصمیم شرکت‌های چینی برای مشارکت، به امکان پرداخت، حمل‌ونقل، بیمه و سودآوری پروژه وابسته خواهد بود. در ادامه به فرصت‌های همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک بخش خصوصی ایران و چین در دو سطح کشوری و بازارهای منطقه‌ای اشاره می‌شود.

الف) فرصت‌های همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک در ایران

برق خورشیدی و بهره‌وری انرژی: همکاری در سامانه‌های خورشیدی صنعتی، مدیریت مصرف و ذخیره‌سازی متناسب با نیاز بنگاه، با ترکیب تجهیزات چینی و توان طراحی و اجرای ایرانی قابل بررسی است. توجیه پروژه باید بر مصرف‌کننده مشخص، صرفه‌جویی قابل‌اندازه‌گیری و طراحی فنی متناسب با نیاز تولید استوار باشد.

نوسازی صنعتی و ساخت قطعات: ارتقای خطوط تولید، اتوماسیون، کاهش ضایعات و توسعه ساخت قطعات، زمینه همکاری تولیدکنندگان ایرانی با عرضه‌کنندگان فناوری چین را فراهم می‌کند. اولویت با پروژه‌هایی است که اثر آن‌ها بر کاهش هزینه، افزایش کیفیت و کاهش توقف تولید روشن باشد و آموزش و خدمات فنی را نیز در بر گیرند.

فرآوری مواد معدنی: بهبود بازیابی، ارتقای کیفیت کنسانتره و تولید محصولات فرآوری‌شده می‌تواند منابع معدنی ایران را به منشأ ارزش افزوده بیشتر تبدیل کند. شریک چینی می‌تواند فناوری فرآیند، تجهیزات و دسترسی به مشتری را فراهم کند؛ مشروط به تأمین پایدار خوراک، آب و برق و روشن‌بودن حقوق بهره‌برداری.



صنایع پایین دستی پتروشیمی و محصولات پلیمری: تولید محصولات تخصصی تر و متناسب با نیاز مشتری، فرصتی برای پیوند خوراک داخلی با فناوری و شبکه فروش شریک چینی است. انتخاب پروژه باید بر مزیت واقعی خوراک، بازار قابل دسترسی و توان رقابت محصول نهایی استوار باشد.

کشاورزی، صنایع غذایی و زنجیره سرد: همکاری در فرآوری، بسته بندی، سردخانه و تجهیزات افزایش بهره‌وری آب می‌تواند ضایعات را کاهش دهد و کیفیت عرضه را بهبود بخشد. پروژه‌های متصل به تولیدکننده و خریدار مشخص، با رعایت استانداردهای بازار مقصد، مبنای مناسب‌تری برای مشارکت دارند.

خدمات صنعتی و فناوری‌های دیجیتال: ایجاد مراکز تعمیر تخصصی، پایش تجهیزات، مدیریت انرژی و پشتیبانی ماشین‌آلات و خودروهای چینی (شامل خودروهای برقی)، امکان همکاری مبتنی بر خدمات و دانش فنی را فراهم می‌کند. پایداری این فعالیت‌ها به آموزش نیروی ایرانی و دسترسی مستمر به قطعات، نرم‌افزار و پشتیبانی سازنده وابسته است.

لجستیک و مراکز توزیع: انبارهای تخصصی، مراکز تجمع کالا و زنجیره سرد می‌توانند با مشارکت تجهیزاتی و عملیاتی شرکت‌های چینی توسعه یابند. اولویت با مراکزی است که حجم بار و مشتری قابل اتکا داشته باشند و کاهش هزینه یا زمان تحویل آن‌ها نسبت به گزینه‌های موجود اثبات شود.

(ب) فرصت‌های همکاری مشترک در بازارهای منطقه‌ای

در بازارهای منطقه‌ای، مزیت بنگاه ایرانی باید برای شریک چینی ملموس باشد؛ از جمله سابقه اجرای پروژه، شبکه مشتری، نیروی متخصص یا توان ارائه خدمات محلی. انتخاب کشور هدف نیز باید بر شناخت تقاضا، امنیت، قابلیت پرداخت و دسترسی عملیاتی استوار باشد. بر این مبنای، حوزه‌های زیر برای بررسی اولیه پیشنهاد می‌شوند:

پروژه‌های برق و انرژی خورشیدی: شرکت چینی می‌تواند تجهیزات و فناوری و بنگاه ایرانی، طراحی، نصب و نگهداری را تأمین کند. همکاری با کارفرما یا شریک محلی معتبر و تعریف تضمین عملکرد و ترتیبات پرداخت، امکان شکل‌گیری پروژه‌های مشترک را تقویت می‌کند.

آب، فاضلاب و زیرساخت‌های صنعتی: تلفیق تجهیزات چینی با توان مهندسی و پیمانکاری ایرانی در تصفیه آب، بازچرخانی پساب و تأسیسات صنعتی قابل بررسی است. ورود به این حوزه باید بر پروژه‌های دارای بودجه مشخص، کارفرمای معتبر و تقسیم روشن مسئولیت اجرا و بهره‌برداری متمرکز شود.

مراکز تعمیر و خدمات پس از فروش: ایجاد مراکز مشترک خدمات برای ماشین‌آلات و تجهیزات چینی، به‌ویژه در بازارهایی که بنگاه ایرانی سابقه حضور دارد، می‌تواند درآمد مستمر ایجاد کند. موفقیت این الگو به ارتباط معتبر با سازنده، تأمین قطعه و پاسخ‌گویی سریع به نیاز مشتری وابسته است.



توزیع، انبارداری و زنجیره سرد: همکاری در مراکز توزیع و تجميع محموله می‌تواند کالاهای چینی را به مشتریان منطقه‌ای متصل کند. بنگاه ایرانی باید مزیت خود را در جذب مشتری، مدیریت موجودی یا کاهش هزینه و زمان تحویل نشان دهد و قابلیت اتکای مسیر حمل را بررسی کند.

فرآوری، بسته‌بندی و تولید مشترک: در بازارهای دارای مواد اولیه یا تقاضای مشخص، می‌توان تجهیزات چینی را با توان مدیریت تولید و بازاریابی ایرانی ترکیب کرد. آغاز فعالیت در مقیاس محدود و توسعه پس از تثبیت فروش، امکان ارزیابی کیفیت همکاری و کنترل سرمایه درگیر را فراهم می‌کند.

در همه این حوزه‌ها، خرید تجهیزات، اعتبار فروشنده، پیمانکاری و سرمایه‌گذاری سهامی، الگوهای متفاوتی از همکاری‌اند و تعهدات و منافع متفاوتی ایجاد می‌کنند. جذب شریک سرمایه‌گذار به طرحی شامل بازار فروش، مجوزها، تأمین نهاده، برآورد هزینه، مدل درآمدی و تقسیم ریسک نیاز دارد. فعالیت در کشور ثالث نیز مستلزم بررسی مستقل مقررات و محدودیت‌های مرتبط با طرفین و پروژه است؛ صرف تغییر محل اجرا، موانع پرداخت یا همکاری را برطرف نمی‌کند.

به عنوان جمع‌بندی فصل سوم، می‌توان بیان نمود که فرصت‌های همکاری با چین در سه حوزه مکمل قرار می‌گیرند: توسعه صادرات کالاهای دارای مزیت، تأمین کالا و فناوری مورد نیاز تولید و اجرای پروژه‌های مشترک در ایران و بازارهای منطقه‌ای. در صادرات، محصولات معدنی و پتروشیمی به تثبیت مشتری و افزایش فرآوری نیاز دارند؛ پسته، سنگ‌های ساختمانی و دیگر محصولات قابل تمایز نیز از مسیر کیفیت، استاندارد، برند و شبکه توزیع امکان توسعه بازار می‌یابند. در تأمین از چین، قطعات، تجهیزات دیجیتال، ماشین‌آلات و فناوری‌های کاهش مصرف و ضایعات، زمانی برای بنگاه ارزش بیشتری ایجاد می‌کنند که با آموزش، خدمات و دسترسی پایدار به قطعات همراه باشند.

در همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک، حوزه‌هایی همچون انرژی و بهره‌وری، نوسازی صنعتی، فرآوری معدنی، صنایع پایین‌دستی، غذا و خدمات فنی، حوزه‌های قابلیت بررسی دارند. توسعه مسیرهای حمل نیز می‌تواند زمینه همکاری در تجميع بار، انبارداری، توزیع و خدمات لجستیکی را فراهم کند؛ از جمله در زنجیره حمل چین-پاکستان-ایران، مشروط به وجود جریان بار قابل اتکا و شریک عملیاتی معتبر. انتخاب نهایی باید بر نیاز مشخص بازار، مزیت بنگاه ایرانی، نقش روشن شریک چینی و امکان اجرای قرارداد استوار باشد. در این چارچوب، پروژه‌های مرحله‌ای با مشتری مشخص و بازده قابل سنجش، مبنای مناسب‌تری برای آغاز و گسترش همکاری هستند.



جمع‌بندی نهایی و سناریوهای پیش‌رو

اقتصاد چین برای بخش خصوصی ایران، هم بازار فروش، هم منبع تأمین کالا و فناوری و هم بستری برای همکاری تولیدی و سرمایه‌گذاری است. بزرگی بازار، نیاز به انرژی و مواد اولیه و توان صنعتی چین، ظرفیت‌هایی برای توسعه روابط فراهم می‌کند. بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها مستلزم تبدیل فرصت‌های کلی به محصول، مشتری، پروژه و مسیر حمل مشخص است؛ به گونه‌ای که کیفیت، قیمت، پرداخت و تحویل در یک مدل تجاری قابل اجرا قرار گیرند.

در صادرات، تثبیت بازار محصولات موجود باید با افزایش فرآوری، بهبود گرید و توسعه محصولات دارای ارزش افزوده بیشتر همراه شود. در محصولاتی مانند پسته و سنگ‌های ساختمانی، شناخت تقاضا و دسترسی به شبکه فروش اهمیت بیشتری دارد. **در واردات،** ارزیابی فرصت‌ها باید بر نیاز تولید، هزینه نهایی و خدمات متمرکز شود؛ به‌ویژه در ماشین‌آلات و تجهیزات، آثار خرید بر مصرف انرژی، ضایعات، کیفیت محصول و بهره‌وری بنگاه ایرانی باید سنجیده شود.

در همکاری مشترک نیز مزیت‌های ایران زمانی برای شریک چینی جذاب می‌شود که در قالب پروژه‌ای با نهاده و مشتری مشخص، مسئولیت‌های قراردادی روشن و سازوکار پرداخت قابل اتکا ارائه شود. در داخل، نوسازی صنعتی، بهره‌وری انرژی، فرآوری و تکمیل زنجیره‌های تولید قابل بررسی‌اند؛ در منطقه، خدمات مهندسی، نصب، نگهداری و توزیع تخصصی می‌توانند بر شناخت بازار و توان اجرایی بنگاه ایرانی تکیه کنند. خرید تجهیزات، اعتبار فروشندگی و مشارکت در مالکیت پروژه، هر یک مدل متفاوتی از همکاری‌اند و باید متناسب با نیاز و توان مالی بنگاه انتخاب شوند.

بازارآیی تجارت نیز باید هم‌زمان با انتخاب کالا و پروژه دنبال شود. مسیرهای آسیای مرکزی و خزر، در کنار چابهار و مسیر کراچی-ایران، گزینه‌های متفاوتی برای تنوع‌بخشی به دسترسی فراهم می‌کنند. افزودن مسیر پاکستان، امکان بررسی ورود زمینی از جنوب شرق را گسترش می‌دهد؛ با این حال، کراچی همچنان به حمل دریایی و سپس ترانزیت در کشور ثالث وابسته است. بنابراین، انتخاب آن باید با مسیر مستقیم به چابهار و گزینه‌های زمینی شمال و شمال شرق، بر مبنای مقصد، هزینه، زمان و قابلیت اتکا مقایسه شود.

سناریوهای پیش‌رو و نحوه جهت‌گیری بخش خصوصی

تحولات روابط ایران و آمریکا و وضعیت امنیتی منطقه، به‌ویژه تنگه هرمز، می‌تواند ترکیب مناسب کالا، مسیر حمل و محل سرمایه‌گذاری را تغییر دهد. سناریوهای زیر چارچوبی برای تصمیم‌گیری‌اند و احتمال وقوع جنگ یا مصالحه را برآورد نمی‌کنند. معیار تغییر جهت فعالیت، آثار قابل مشاهده تحولات بر پرداخت، بیمه، امنیت مسیر، پذیرش مرزی و آمادگی قراردادی طرف چینی است. جدول زیر، جهت‌گیری پیشنهادی بخش خصوصی را در هر سناریو، از منظر انتخاب کالا، بازارآیی مسیرهای حمل و تمرکز همکاری با چین در ایران و منطقه، نشان می‌دهد.

جدول ۴-۱- سناریوهای پیش‌رو و جهت‌گیری پیشنهادی بخش خصوصی در تجارت و همکاری اقتصادی با چین

سناریو	جهت‌گیری تجاری و انتخاب کالا	مسیرهای حمل و بازاریابی تجارت	تمرکز همکاری با چین در ایران و منطقه
مصالحه یا کاهش پایداری تنش همراه با بهبود عملی تجارت	توسعه صادرات و تثبیت قراردادهای فروش؛ افزایش فرآوری محصولات معدنی و پتروشیمی و توسعه بازار محصولات پلیمری، فلزی، پسته و سنگ؛ تأمین ماشین‌آلات و فناوری‌های افزایش بهره‌وری	حفظ حمل دریایی از مسیرهای دارای مزیت اقتصادی و آزمایش مسیرهای جایگزین برای محموله‌های منتخب. ارزیابی کراچی-میرجاوه و کراچی-ریمدان در مقایسه با چابهار و مسیرهای ریلی، برای ایجاد گزینه پشتیبان پیش از بحران	افزایش وزن سرمایه‌گذاری مولد در ایران، به‌ویژه نوسازی صنعتی، فرآوری معدنی، صنایع پایین‌دستی، خورشیدی و صنایع غذایی؛ توسعه حضور منطقه‌ای در امتداد فروش محصولات و خدمات این پروژه‌ها
تداوم تنش و توافق‌های محدود همراه با امکان ادامه تجارت	اولویت تأمین قطعات حیاتی، نهاده‌های ضروری و تجهیزات کاهش مصرف و ضایعات؛ تمرکز صادرات بر کالاهای دارای مشتری مشخص و حاشیه سود کافی برای تحمل هزینه و تأخیر اضافی	برنامه‌ریزی مسیر اصلی و جایگزین برای کالاهای حساس؛ استفاده انتخابی از ریل آسیای مرکزی، خزر، چابهار و مسیر پاکستان، پس از استعلام اجرایی. کراچی-ایران برای محموله‌های مناسب به‌صورت محدود آزموده شود؛ در نهاده‌های حجیم، تغییر مبدأ خرید نیز بررسی شود	در داخل، ارتقای خطوط موجود، بهره‌وری انرژی، تعمیر و تأمین قطعات با سرمایه‌گذاری مرحله‌ای؛ در منطقه، خدمات مهندسی، نصب، نگهداری و توزیع تخصصی با سرمایه ثابت محدود
تشدید درگیری و اختلال جدی در هرگز و مبادلات	تقدم حفظ تولید و نقدینگی بر توسعه ظرفیت؛ اولویت کالاهای اساسی، نهاده‌های حیاتی و قطعات جلوگیری‌کننده از توقف تولید؛ محدود کردن خریدهای توسعه‌ای قابل تعویق	تخصیص ظرفیت مسیرهای آزموده‌شده خارج از هرگز به محموله‌های ضروری، پس از تأیید امنیت و پذیرش حمل. مسیر پاکستان تنها با تأیید ترانزیت، پذیرش مرز و امکان تحویل در ایران به کار گرفته شود. انتقال صادرات حجیم و مواد نیازمند حمل ویژه، جداگانه ارزیابی شود	در داخل، تعمیر، تأمین قطعات و استمرار فعالیت واحدهای موجود؛ در منطقه، فعالیت محدود در بازارهای امن با حمل و پرداخت قابل اتکا. در صورت گسترش ناامنی، حفظ منابع و تعویق تعهدات بزرگ اولویت یابد

منبع: یافته‌های گزارش

بر این اساس، کاهش تنش، زمینه تمرکز بیشتر بر سرمایه‌گذاری مولد در ایران را فراهم می‌کند؛ استمرار نااطمینانی، ترکیب نوسازی محدود داخلی و فعالیت انتخابی منطقه‌ای را مناسب‌تر می‌سازد؛ و تشدید درگیری، حفظ تولید و نقدینگی را در اولویت قرار می‌دهد. در بازاریابی تجارت، ارزیابی و بهره‌گیری از مسیرهای ریلی ورودی از سرخس و اینچه‌برون می‌تواند به عنوان گزینه‌های جایگزین در برنامه حمل بنگاه‌ها قرار داشته باشد. اتکای عملی به این مسیرها مستلزم هماهنگی با شرکت‌های حمل، تأمین واگن، بررسی ظرفیت انتقال بار در مرز و شناخت هزینه و زمان تحویل از طریق حمل آزمایشی است. مسیر کراچی-ایران نیز در کنار خزر و چابهار، متناسب با نوع کالا و شرایط اجرایی، به‌عنوان گزینه‌ای مکمل قابل بررسی خواهد بود.



منابع و مأخذ

کاظمی فرمتهور، م. نویدی، ج. (۱۴۰۵). ایران در محاسبات استراتژیک چین؛ انتظارات، ملاحظات و فرصت‌های همکاری اقتصادی برای بخش خصوصی. معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.

گمرک جمهوری اسلامی ایران. آمارهای سالیانه و آمار سال جاری. www.irica.ir

International Trade Center (ITC). <https://www.trademap.org/en>

World Bank. World Development Indicators (WDI).

<https://databank.worldbank.org/source/world-development-indicators>